

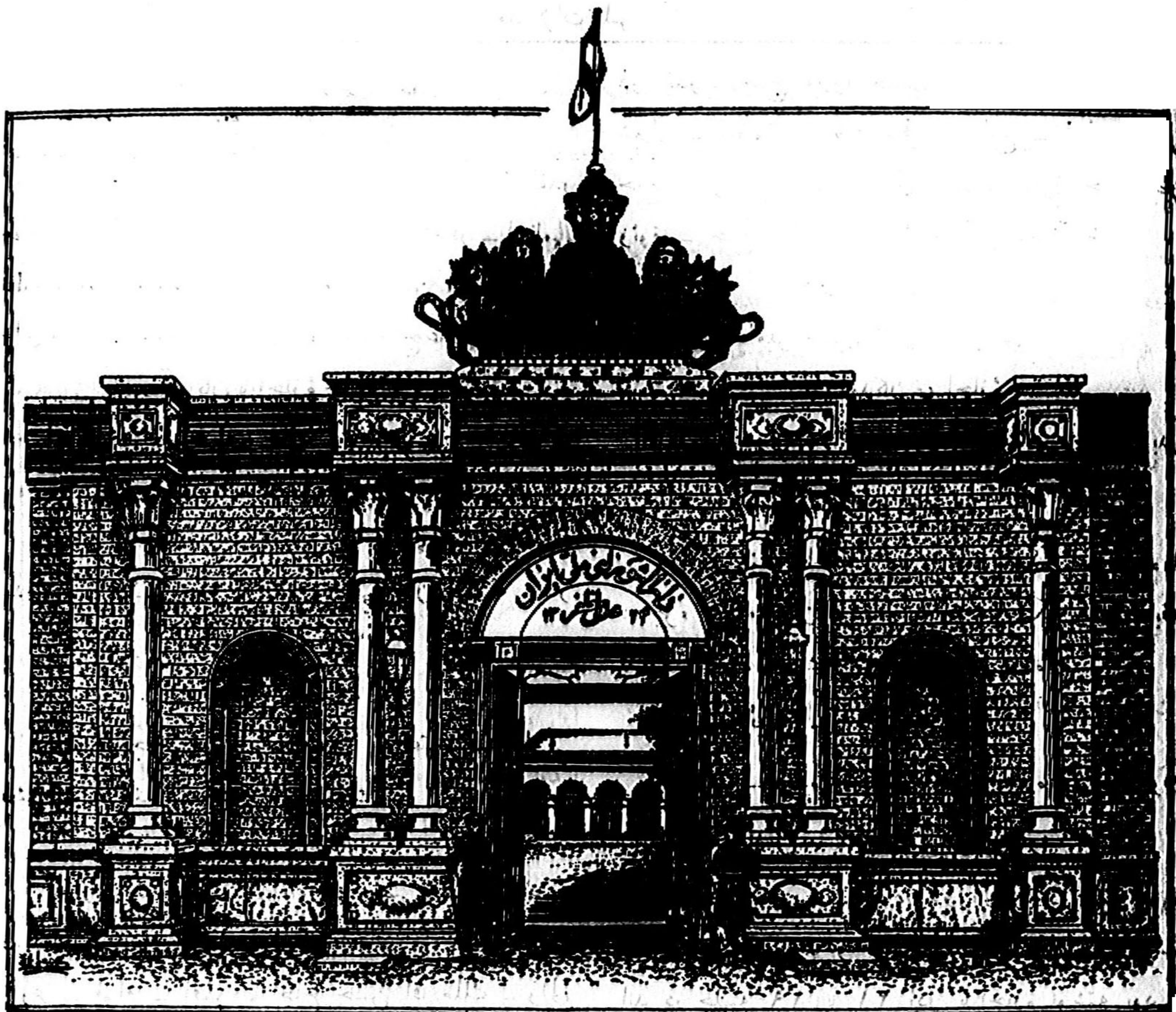
دوره ششم تفهینیه

<p>جلسه ۱۸۰</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۴۵</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه یکشنبه ۲۶ آذر ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۳ جمادی الثانیه ۱۳۴۶</p>	<p>مبذرات جات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعه مجلس</p>	<p>قیمت اشتراک داخله ایران سالانه ده تومان خارجیه « دوازده تومان قیمت تک شماره یک قران</p>



از صفحه	الی صفحه	موضوع
۲۹۶۰	۲۹۶۸	<p>تعیین رتبه نسبت به کسب و کار بودجه راجع تعیین اصل حقوق درجات قضائی و          سایر آن</p> <p>معاون تعیین رتبه های قضائی</p>
	۲۹۶۱	





# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يك شنبه ۲۶ آذرماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۳ جادي الثاني ۱۳۴۶

### جلسه ۱۸۰

غائبین جلسه ۱۷۷  
 آقابان : حاج علی اکبر امین - شیروانی - اسفندیاری  
 دولنشاهی - دشتی - شریعت زاده - ارباب کیخسرو  
 فرهمند - حاج شیخ بیات - میرزا عبدالحسین - محمود

( مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست  
 آقای نقی زاده نایب رئیس تشکیل گردید )  
 ( صورت مجلس پوم سه شنبه ۲۱  
 آذرماه را آقای نکهبان قرائت نمودند )



رضا - دیوان بیکی - امیر اسدالله خان

غائبین بی اجازه

آقایان: اسدی - مرتضی قلیخان بیات - ذوالقدر

حاج میرزا حبیب الله امین - امام جمعه شیراز - اعظمی

نظام مافی - زارع - افسر - حاج حسن آقا ملک -

والی زاده - میرزا حسن خان وثوق - حاج غلامحسین ملک

دبر آمدگان با اجازه جلسه ۱۷۷

آقایان: امیر حسین خان - نجومی - آشتیانی -

دبر آمدگان بی اجازه

آقایان: جلائی - حشمتی - پالیزی - نوبخت -

مدرس - دکتر مصدق - زعیم - محی خان زنگنه - بدر

غائبین جلسه ۱۷۸

غائبین با اجازه

آقایان: حاج علی اکبر امین - اعتبار - جلائی

دشتی - فرمند - حاج شیخ بیات

غائبین بی اجازه

آقایان: شیروانی - اسدی - مرتضی قلیخان بیات -

ذوالقدر - امام جمعه شیراز - اعظمی - نظام مافی -

زارع - قوام - افسر - حاج حسن آقا ملک - والی

زاده - میرزا حسن خان وثوق - حاج غلامحسین ملک

امیر اسدالله خان

دبر آمدگان با اجازه

آقایان: شریعت زاده - باسائی - نجومی - فرمند

محمود رضا - افخمی -

دبر آمدگان بی اجازه

آقایان: زوار - مهدوی - عباس میرزا - نوبخت

جلسه ۱۷۹

غائبین با اجازه

آقایان: حاج علی اکبر امین - دشتی - پالیزی -

ارباب کبخسرو - فرمند - ملک آرائی - میرزا

عبدالحسین - محمود رضا -

غائبین بی اجازه

آقایان: اعتبار - شیروانی - مرتضی قلیخان بیات

ذوالقدر - حاج میرزا حبیب الله امین - امام جمعه

شیراز - اعظمی - نظام مافی - زارع - قوام - افسر

حاج حسن آقا ملک - والی زاده - میرزا حسن خان

وثوق - حاج غلامحسین ملک - امیر اسدالله خان

دبر آمدگان با اجازه

آقایان: امیر حسین خان - نجومی

دبر آمدگان بی اجازه

آقایان: مهدوی - غلامحسین میرزا - جهانشاهی - افخمی - بدر

نایب رئیس - آقای زوار

زوار - بنده باحفظ اجازه تصور میکنم اسم بنده را

در جزء دبر آمدگان نوشته اند در صورتیکه هیچ سابقه

ندارد و بنده همیشه سر وقت حاضر بوده ام

نایب رئیس - آقای جلائی

جلائی - بنده کسالت داشتم و اجازه خواسته بودم

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای شیروانی را در يك جا با

اجازه نوشته بودند و در جای دیگر بی اجازه نوشته

اند در جلسه ۱۹ با ۲۱ آذر با اجازه نوشته بود و

سابق بر آن را نوشته بود بدون اجازه خواستم این

اصلاح شود

نایب رئیس - اصلاح میشود آقای اعتبار

اعتبار - در جلسه گذشته بنده مریض بودم و از

کمسیون استعجازه کرده بودم

نایب رئیس - آقای عراقی

عراقی - آقای والی زاده جوانشیر را غایب بی اجازه

نوشته بودند چون مدعی است تلگرافاً استعجازه کرده

اند تلگرافشان را هم بنده بتوسط آقای رئیس مجلس

بکمسیون عریض داده ام خوبست کمسیون عریض يك

توجهی بفرمایند و عریضی که بکمسیون می آید زودتر

رسیدگی بکنند که آقایان را بدون اجازه لمبوسند

نایب رئیس - آقای کلالی

امیر تیمور کلالی - راجع بصورت حاضر و غایب

بی جلسه قبل آقای مهدوی را غائب بی اجازه

نوشته اند در صورتیکه ایشان بواسطه مصیبتی

که بهشان وارد شده بود حاضر نشده اند و بتوسط

بنده هم استعجازه کرده بودند که شخصاً تقدیم مقام ریاست

کردم نمائیم اصلاح شود.

نایب رئیس - صورت مجلس اعتراضی ندارد

( گفتند خیر )

نایب رئیس - صورت مجلس تصویب شد

نایب رئیس - دستور موضوع لایحه راجع باشل قضات

است پیشنهادها قرائت میشود. پیش نهاد آقای

فیروز آبادی

( بشرح ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم که ماده واحده بطریق ذیل

اصلاح شود

ماده واحده حقوق قضات و صاحبمنصبان پارک و

مدیران دفاتر محاکم که دارای رتبه قضائی هستند بترتیب

ذیل مقرر است

۴۰ ۱ تومان ۵۰ ۲ تومان ۶۰ ۳ تومان

۷۰ ۴ ۸۰ ۵ ۹۰ ۶ ۱۰۰ ۷

۱۱۰ ۸ ۱۲۰ ۹ ۱۳۰ ۱۰ ۱۴۰ ۱۱

۱۵۰ ۱۲ ۱۶۰ ۱۳ ۱۷۰ ۱۴ ۱۸۰ ۱۵

۱۹۰ ۱۶ ۲۰۰ ۱۷ ۲۱۰ ۱۸ ۲۲۰ ۱۹

۲۳۰ ۲۰ ۲۴۰ ۲۱ ۲۵۰ ۲۲ ۲۶۰ ۲۳

۲۷۰ ۲۴ ۲۸۰ ۲۵ ۲۹۰ ۲۶ ۳۰۰ ۲۷

۳۱۰ ۲۸ ۳۲۰ ۲۹ ۳۳۰ ۳۰ ۳۴۰ ۳۱

۳۵۰ ۳۲ ۳۶۰ ۳۳ ۳۷۰ ۳۴ ۳۸۰ ۳۵

۳۹۰ ۳۶ ۴۰۰ ۳۷ ۴۱۰ ۳۸ ۴۲۰ ۳۹

۴۳۰ ۴۰ ۴۴۰ ۴۱ ۴۵۰ ۴۲ ۴۶۰ ۴۳

۴۷۰ ۴۴ ۴۸۰ ۴۵ ۴۹۰ ۴۶ ۵۰۰ ۴۷

۵۱۰ ۴۸ ۵۲۰ ۴۹ ۵۳۰ ۵۰ ۵۴۰ ۵۱

۵۵۰ ۵۲ ۵۶۰ ۵۳ ۵۷۰ ۵۴ ۵۸۰ ۵۵

در این ممالک هیچ سزاوار نیست که اینطور حقوقهای

کثرت از پنجاه تا هفتصد و هشتصد هزار داده شود باید طوری

اصلاح شود که موافق صلاح مردم باشد مالیات بخورد

مالیات بده باید تناسب بینشان باشد و اگر اینطور نباشد

مضر بحال مردم است علاوه بر این این حقوق که برای

عدلیه میخواهید بگذارید این زمینه خواهد شد برای

حقوق سایر وزارتخانه ها اگر اول حقوق عدلیه پنجاه

تومان باشد و برود بالا سایر وزارتخانه ها هم میگویند

مال ما هم باید همینطور تنظیم شود و آنوقت هر چه

فریاد کنیم که حقوق قضائی غیر از حقوق سایر ادارات

است هزار دلیل اقامه میکنند که خیر حقوق وزارتخانه ها

هم باید همانطور بشود بنده به این نظریات است که

این پیشنهاد را کردم و امیدوارم آقایان در عریض

بنده توجه بفرمایند اگر بر صلاح مملکت است این

عریض بنده را قبول کنند.

نایب رئیس - آقای باسائی

باسائی - این اظهارات آقای فیروز آبادی برطبق همان

بیانات است که مکرر در این مجلس صحبت شده است

فرمودند که يك تناسبی بین مؤدی مالیات و مستخدمین

دولت باید باشد. اولاً آقایان باید توجه بفرمایند که

مالیات را فقرا نمیدهند مالیات را از کسانی میگیرند

که دارا هستند تقریباً هفده کرور مالیات کمرک و هفت

هشت کرور مالیات سرحدی برای راه سازی است ...

فیروز آبادی - همین ها تحمیل میشود به فقرا

باسائی - خیر به آنها تحمیل نمیشود به اشخاصی

که بیشتر واردات را مصرف میکنند تحمیل میشود ...

فیروز آبادی - خیر به فقرا تحمیل می شود آنها

مالیات میدهند

باسائی - خواهش میکنم اگر يك موردی سراغ دارید

که مالیات را فقرا میدهند بفرمایند مالیات فقرا مالیات خانواری

و سر شماری و سرانه بود که لغو کردیم و مالیات ارضی



هم از نقطه نظر رفاه دهاقین امیدوارم ملغی شود اینک فرمودند اگر ما حقوق قضات را اضافه کنیم سایر مستخدمین و زارتخانهها هم مدعی اضافه حقوق خواهند شد این حق را ندارند برای اینکه قوه قضائیه همانطور که آقای مخبر فرمودند در عرض قوه مقننه و قوه مجریه است مطابق قانون اساسی شما مراجعه بفرمائید به مواد اختیارات محاکم با آن امتیازات و مزایایی که برای قضات قائل شده تصدیق میفرمائید که قاضی غیر از مأمور اداری است در وزارت عدلیه مستخدمین اداری خیلی هستند که هیچ مربوط بمستخدمین قضائی نیستند و جزء قضات محسوب نمیشوند قضات عبارت از اشخاصی هستند که در محاکم حکومت میکنند بین افراد بیکدیگر و بین افراد با دولت بالاخره قاضی که اقتدارات وزیر را دارد قاضی که منتظرید وکیل را بعد از سلب مصلحت محاکمه کند قاضی که پس از تصویب قانون محاکمه وزراء بایستی آنها را تحت محاکمه بکشد شما نمیتوانید به او حقوق کم بدهید. در اینجا از طرف بعضی از آقایان گفته شد که اضافه حقوق تأثیری در صحت عمل ندارد این بکلی اشتباه است بالاخره شما بعد از تحقیق تصدیق خواهید کرد که هیچ قانونی هنوز نتوانسته است جلو رشوه و ارتشاء را که يك امر مخفی است بگیرد عملاً اگر شما يك قانون سختی هم بنویسید وقتی که قضیه بمنصبه قضا رسید خیلی مشکل است ثابت شود آن کسانی که قضاوت کرده اند میدانند برای اینکه رشوه دهند و رشوه گیرنده علنی نمی آیند کارهایشان را جلوه بدهند کارهای مخفی غالباً با استنطاق کشف میشود ولی این اصول خیلی مشکل است کشف شود برای اینکه وجوهی که بعنوان رشوه اخذ میشود عناوین مختلفه ممکن است پیدا کند پس چه باید کرد؟ باید حقوقش را زیاد کرد و سابقه او را در نظر گرفت که این شخص يك آدم انسانی است که دزدی نمیکند یعنی جزء ابرار است جزء نیکان است که عزت نفسش اجازه ندهد که دزدی بکند پس

باید يك حقوق مکفی باو بدهند و الا قانون هیچوقت از عملیات آنها جلوگیری نمیکند قاضی که انتخاب شد بایستی مطمئن باشد که دزدی نمیکند سایر مالک هم که يك حقوق گرانی به قاضی میدهند فلسفه اش همین است و بالاخره شما وقتی میتوانید از قاضی مطمئن شوید که عهده دار مخارجش بشوید پس در اینصورت ما نباید قضات را با سایر مستخدمین مقایسه کنیم و این صحبتی هم که میشود که سایر ادارات هم پیدا میکنند ابدأ اینطور نیست مستخدمین اداری و او مدیر کل هم که باشند باز هم مقامشان خیلی مادون از قاضی است قاضی وکیل وزیر اینها در عرض هم هستند.

نایب رئیس -- رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای فیروزآبادی آقایان موافقین قیام فرمایند (عده قلیلی برخاستند)

نایب رئیس -- تصویب نشد پیشنهاد آقای بامداد بامداد -- پیشنهاد بنده يك تبصره ایست که بعد از اینکه اشل گذشت باید ضمیمه شود.

نایب رئیس -- پیشنهاد آقای عراقی (بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم پارکه دیوان عالی نمیز مرکب باشد از یک نفر مدعی العموم کل و یک نفر معاون اول و سه نفر معاون دوم

عراقی -- این پیشنهاد بنده توضیح مفصلی لازم ندارد چون سابق دیوان عالی نمیز مرکب از دو شعبه بود و حالا شعبش زیاد شده وقتی هم که شعبش زیاد شد البته بیشتر اعضا لازم دارد مثلاً وکیل عمومی که عبارت از معاون باشد بیشتر لازم دارد ماهه این صحبت هائی را که راجع به عدلیه میکردیم برای این بود که جریان کارها سریعتر باشد و این مسئله مسلم است که وقتی سه نفر معاون داشته باشد جریان کارش سریعتر است وزیر عدلیه -- عرض میکنم این پیشنهادی که آقای

عراقی فرمودند رفع يك مشکلی را نمیکند برای این که فعلاً عده که در نمیز هستند همین است که اینجا نوشته شده منتها در آن موادی که راجع به تشکیلات نوشته شده ما عده را کمتر نوشتیم ولی در ضمن عمل دیدیم به اشکال بر میخوریم و مجبوریم بهمین عده اشخاص بیاوریم و فعلاً عده که در پارکه نمیز هستند همین است که ایشان نوشته اند و حالا هم مجبوریم که بهمین عده اشخاص اکتفا کنیم و اگر این تبصره بگذرد حقوق به آنها داده خواهد شد و اگر نگذرد نظر به اینکه در آن اصل تشکیلات هم عده کمتر نوشته شده است بنا بر این حقوق اینها را فعلاً نخواهند داد تا اینکه در کیسیون عدلیه این تشکیلات تغییر کند و این عده قبول شود بنده تصور میکنم که اگر آقایان موافقت بفرمایند که این عده را ما حالا لازم داریم حقوق این عده که سر کار هستند داده میشود.

مخبر -- این پیشنهادات مجلس بعد از پیشنهاداتی هست که راجع به اشل است چون راجع به تشکیلات است اگر پیشنهادات دیگری راجع به اشل است آنها را مطرح فرمایند آنها که تمام شد آنوقت این پیشنهاد را مطرح کنند.

نایب رئیس -- این را بعنوان تبصره پیشنهاد نکرده اند باید رأی بگیریم آقایانیکه پیشنهاد آقای عراقی را تصویب میکنند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

نایب رئیس -- تصویب نشد پیشنهاد آقای حاج میرزا مرتضی (اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم رتبه ۱۱ و ۹ حذف و سایر رتبه ها هم مطابق قانون استخدام حقوق آنها معلوم شود حاج میرزا مرتضی -- بنده اولاً در هیچ جای دنیا تصور نمیکم که ترتیب رتبه هائی ده و یازده هم باشد از رتبه زیادتر نیست اگر باشد در يك ممالکی است

که دارای ثروت زیاد هستند که بما مربوط نیست بنده تصور میکنم که اگر این لایحه اشل که آقای وزیر عدلیه آورده اند از این مجلس بگذرد عملاً به سایر ادارات اجازه داده میشود که آنها هم اختلاس سرقت کنند دزدی کنند تا اینکه آنها هم حقوقشان مطابق شود با حقوق اعضاء عدلیه برای اینکه از تمام مذاکرات و توضیحات و مجموع مدافعانی که از طرف آقای وزیر عدلیه و سایر آقایان موافقین میشود تنها دلیلشان این است که حقوق زیادی که داده میشود برای این است که جلوگیری از این اختلاسات قضات و اعضاء وزارت عدلیه بشود معلوم میشود وزارت عدلیه از مأمورینی که آورده اند اطمینان ندارند که حقیقه اینها يك مردمانی هستند که وقتی داخل کاری شدند برخلاف قانون کاری نخواهند کرد اگر منظور این است بنده عرض میکنم که اگر ماهی دو هزار تومان به يك شخص مختلس بدهید باز هم عملیات خود را تعقیب میکنند ممکن نیست حقوق زیاد جلوگیری از تقلب او بکنند جلوگیری از تقلب مجازات می خواهد وقتی يك نفر دو نفر مجازات شدند دیگری تعقیب نمی کند و الا به بالا بردن اشل و حقوق زیاد دادن هیچوقت جلوگیری از اختلاس نخواهد شد دیگر اینکه تمام اشخاصی که دزدی و اختلاس میکنند همه در رتبه های بالا هستند و این رتبه های پائین که سی تومان و چهل تومان هستند این بیچاره ها هیچوقت موفق به اختلاسات نخواهند شد یعنی کاری در دست آنها نیست که بتوانند این کار را بکنند و قسمت عمده آنهاست که مختلسند همه رؤسای بزرگ که مدیر کل و رئیس دایره هستند که حقوق زیاد هم دارند پس ما با حقوق زیاد نمیتوانیم جلوگیری از اختلاسات بکنیم میفرمایند شأن قضات زیاد است زیرا باید وزراء را محاکمه کنند از این جهت باید حقوقشان زیاد باشد پس معلوم میشود حقوق زیاد آنها را قاضی میکنند بالاخره قاضی قاضی است ولو اینکه پنجاه تومان یا پانصد تومان باو بدهید



و حقوق زیاد باعث نمیشود که بکنفر قاضی يك وکیل یا يك وزیری را محاکمه کند بالاخره این دلیل نیست بعلاوه يك ضرری هم برای ما دارد و آن این است که فردانام افراد دوائر دولتی شروع میکنند به يك کارهایی و يك اختلاس میکنند آنوقت میگویند شما ما حقوق کم میدیدما هم اختلاس میکنیم پس شما ما هم حقوق زیاد بدهید تا ما هم اختلاس نکنیم و این کاملاً بر ضرر مملکت است و بنده بهیچوجه موافق نیستم و عقیده ام این است که این رتبه ده و یازده حذف شود و سایر رتبه ها هم مطابق قانون استخدام حقوق برایش معین شود و هیچ امتیازی در بین آنها نباشد

نایب رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- کم کم دارد نظامنامه و قانون اساسی از بین میروند و همچنین مشروطیت هم از بین میروند چنانچه آقایان که قائل انقلاب بوده اند میدانند که آن انقلابیانی که در ایران ایجاد شد تمام نظر به عدالت بشود هی فریاد میزدیم که ما عدلیه میخواهیم این اندازه عدلیه در نظر ما با اهمیت بود که تمام ماها عنوان مجلس شورای منی و عنوان قوانین و اینها هیچ در نظر ما نبود اما تمام عنوان عدلیه و تأمین حقوق مردم در بین بود و در تمام ایران این صدا بلند بود یعنی مبده انقلاب از طهران شروع شد و تمام ایالات و ولایات در آن انقلاب شرکت کردند و در این انقلاب اولی مملکت را از يك حاکم دیگر سوق داده و کلای دوره اول که شکر الله مساعیم جمیعاً آمدند و يك زحمان کشیدند و دیدند که احساسات ملت نسبت به عدلیه چیست در موقعی که قانون اساسی را خواستند تنظیم کنند این قانون اساسی است که نوشته اند بنده ناچارم برای اینکه ما طرف افراط و تفریط نباشیم عرض کنم که قوه قضائیه فوق تمام ادارات است فوق مالیه است فوق معارف حالا حمله بمن نکنید که خیر مثل معارف است با مثل وزارت خارجه است خیر قوه قضائیه

که عبارت از عدلیه باشد فوق تمام اینها است دلیل مواد صریح قانون اساسی که بفرمایش آقای مدرس قانون اساسی رساله عمل ما است این مواد قانون اساسی است بنده ناچارم بخوانم بعد هم وارد میشوم در فرمایشات ناطق محترم ملاحظه بفرمائید قانون اساسی برای هیچيك از وزارتخانه ها اینطور مواد بیان نمیکند اقتدارات محاکم فصل ۷۱ و ۷۲

آیه الله زاده اصفهانی -- قانون اساسی حقوق زیاد که معین نکرده است

آقا سید یعقوب -- آقا صبر کن تو را به جدت صبر کن اینجا که دست شمارا نگرفته اند من که الف لیل برایتان نمیخوانم قانون اساسی میخوانم . ماده ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ و اصل هشتماد و هشتماد و یکم تا برسد به آنچه ای که در خصوص انجمنهای ایالتی و ولایتی است این مواد عبارت است از میزان و تشکیلات و تأسیسات قوه قضائی که اصل تمام توجه ملت بر تأسیس قوه قضائی بوده است قبل از اینکه این ترتیبات عدلیه جدید پیش بیاید ما همه مان حمله میکردیم که قانون اساسی باید اجرا شود قانون اساسی قانون است مقدس و ماها هم پشت این زبیرون قسم خورده ایم بر حفظ این قانون اساسی و باید حافظ این قانون باشیم البته این همه نفوس که در این مملکت برای مشروطه زحمت کشیده اند میدانند که کسانی که در نوب سنگرها جان داده اند میدانند که قانون اساسی چه مقامی دارد نظر به این مسئله دولت و مقامات عالیه تعقیب کرده اند که يك قدمهائی بردارند و موفق بشوند به ابطال يك قضاوتها غاصبانه که در این مملکت بود که آن قضاوتها از بین برود و البته این مقصود زمان لازم دارد عدلیه آمد و برای جلب کردن يك عنعنری ( همه ما ایرانیها سر ته يك کرباس هستیم و امیدوارم خوب باشیم ) کارهایی کرد و مشغول جریانان هستند و بینی و بین الله تصدیق بفرمائید آقا ما در عدلیه کی محکمه جنائی داشتیم بلی آن چیزی که

بنده عقیده دارم هنوز نشده است ولی البته زمان می خواهد پس قضاوت مملکت دارای يك مقاماتی هستند که ما نمیتوانیم آنها را در مقابل مستخدمین کشوری قرار بدهیم چرا برای اینکه قانون اساسی که رساله عملی است و همچو قراری نداده است قانون اساسی آمده است و قضاوت مملکت را در رتبه های عالی قرار داده است قوای مملکت را بر سه قسمت کرده است قوه مجریه ، قضائیه ، مقننه قوه قضائیه را در مقابل قوه مقننه قرار داده است این است مرتبه قضاوت و در مقام شریعت و دیانت که واقع شدیم در احکام و آیات الهی و در اخبار نبوی هم مقام قضاوت در مقام عظیمی واقع شده است اینها تمام يك مرجعانی است که بابتی ما در نظر داشته باشیم پس اینکه میفرمائید اینها هم باید مثل مستخدمین کشوری باشند این هرگز نمیشود برای اینکه ما نمیتوانیم بر خلاف قانون اساسی عمل کنیم و بنده گمان نمیکنم که مجلس هم با رای این را داشته باشد که بدون مراجعات عمومی بتواند يك مداخله بکند . اما راجع به رتبه نه و ده که فرمودید بنده خودم در این باب اول يك نظری داشتم و آن این بود که برای چه اینها را هم مثل مستخدمین کشوری نه درجه قرار ندهیم بعد ملاحظه کردم و دیدم مانع و رادع من قانون اساسی است قانون اساسی نوشته است که در تمام مملکت ایران يك دیوان عالی نمیز باید تشکیل شود معلوم شد که این دیوان عالی نمیز يك مقام خیلی مقدس و با اهمیتی است که ما نمیتوانیم او را در عداد این درجات قرار بدهیم برای اینکه دیوان عالی نمیز يك مقامی است که چنانچه آقای باستانی اظهار کردند که اگر ما موفق شدیم و قانون محاکمه وزراء را گذرانیم در دیوان عالی نمیز باید محاکمه بشوند پس معلوم شد که ما نمیتوانیم دیوان عالی نمیز را که مرکب از قضاة نمیز باشد در ردیف آنها قرار دهیم این ماده ده و یازده هم به اعتبار همان صحبت هائی است که مکرر در این مجلس شد که رئیس دیوان عالی نمیز و مدعی العموم

دیوان عالی نمیز در مقام مستخدمین ملی نیستند و مقام عالی دارند و البته این امتیاز را ما باید ملاحظه کنیم بنده که در ممالک دیگر زفته ام و البته آقایان دیگر رفته اند بنده از میان جریان کار وقتی ملاحظه میکنم می فهمم که دیوان عالی نمیز که عبارت از قضاوت نمیز باشد درجه شان باید فوق اینها باشد چرا مملکت اینکه يك مقام عالی باید باشد که بشود مقامات عالی را در آنجا محاکمه کنند بنا بر این رئیس نمیز و مدعی العموم نمیز باید دارای يك مقامی باشند که از مرتبه قضائی خارج باشند از این جهت آمده اند و رتبه ده و یازده قرار داده اند حالا هم مجلس موافقت میکنند و بعد از این پنج شش ماه دیگر که میگذرد می بینم که امیدواری که نسبت بعدایه داریم ظاهر میشود و آنوقت البته ما مورین دولت یعنی آنهائیکه عمل بوظیفه نکرده اند حکام ولایات که میروند و قانون را زیر پا میگذارند جلب می کنند برای محاکمه آن وقت ما مورین می جلب که از طهران بیرون میروند و در ایالت و ولایت میروند بعد از این باید عمل بوظیفه بکنند و بدانند که بازرسی هست البته وقتی که این مقصود عملی شد تصدیق بفرمائید که این هم ضرری نیست بر بودجه مملکت چرا برای اینکه ما اگر بکفدری دندان روی جگر بگذاریم آن وقت خواهیم دید ما مورین دولت در تحت محاکمه واقع میشوند بنا بر این چندان اهمیتی ندارد که ما بکفدری پول بیشتر بدهیم در مقابل نامین جان و مال مردم و مملکت را کرده ایم این بود نظر بنده حالا آقایان مختارند

نایب رئیس -- رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای حاج میرزا مرتضی آقابان موافقین قیام فرمایند (چند نفر قیام نمودند)

نایب رئیس -- تصویب نشد . پیشنهاد آقای حاج شیخ بیات (بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم از رتبه پنج نارتبه هفت ده تومان



از میزانی که تعیین شده کم شود و از رتبه هشت هم تا رتبه یازده بیست تومان از میزانی که تعیین شده کم شود حاج شیخ بیات - اساساً علت اینکه در اصل با بودجه و کلاً محتاج به يك پیشنهادی میشوند برای این است که يك نظریاتی دارند که باید عرایض خودشان را بکنند ولی دو نفر موافق و مخالف که صحبت میکنند بعد آقایان میگویند مذاکرات کافی است و نمیگذارند عقاید و کلاً گفته شود ...

بعضی از نمایندگان - چرا نمیگذارند؟ کی نمیگذارند؟ حاج شیخ بیات - اجازه بفرمائید شما هم تشریف بیاورید اینجا و هر چه دلتان میخواهد بفرمائید اساساً بعقیده بنده این مسائل نه مربوط به وزراء است و نه مربوط است به اشخاص راجع به مملکت است و پول مال مردم است بودجه برای مملکت است و البته وقتی که بودجه را مینویسند بایستی از نقطه نظر ملت نگاه کنند و به بینند که آیا صرفه ملت در این هست که این پول را بدهند یا صرفه ملت نیست و الا برای فلان وزیر فرق نمیکند چه پانصد تومان بدهند چه سیصد تومان این قضیه هیچ ارتباطی بحال وزراء ندارد بودجه مملکتی مربوط به مملکت است و باید وزراء ملاحظه وضعیت اقتصادی و حال مردم فقیر مملکت را بکنند و به بینند از روی چه مأخذ بایستی بودجه نوشت اصولاً در بودجه کل مملکت بنده بعرض آقایان میرسانم که این رتبه های بالا از پنج و شش که تنظیم شده است هیچ متناسب برای مملکت و با زندگانی جامعه نیست بعضی از آقایان در پشت تریبون تشریف میآورند و میگویند فلان قاضی در لندن چندین هزار لیره پول میگیرد بنده عرض میکنم اگر فلان قاضی چندین هزار لیره در لندن پول میگیرد متوسطین از ملتش هم چندین هزار لیره پول عایدی دارند ولی در مملکت ما این طور نیست و بنا بر این بایستی از روی تناسب به مستخدمین حقوق داده شود این است که بنده عقیده مند هستم - انطور که چند

روز پیش آقای مدرس فرمودند که بایستی حد اعلاى رتبه ها را از نمایندگان دو بیست و پنجاه تومان گرفت و از روی همان میزان در کلیه وزارتخانهها رتبه بندی کرد در قسمت حد اقلش بنده انقدر ها نظری ندارم برای اینکه حد اول اگر پنجاه تومان هم باشد چندین ضرری ندارد البته باید بکنفر زندگانش را تأمین کرد و کمتر از پنجاه تومان هم نمیشود و نمیشود بربك آدمی تحمیل کرد که تو باید با سی تومان یا بیست و پنج تومان زندگان کنی علی الخصوص که قاضی باشد ولی حد اعلاى که دو بیست و پنجاه تومان باشد خیلی زیاد است برای زندگان بکنفر آدم و اگر آقایان توجه بفرمائید تصدیق خواهند فرمود که غالب این تجمعات و بد بختی هائیکه امروزه در این مملکت پیدا شده بواسطه همین حقوقهای زیادی است که داده میشود و البته در مقابل حقوق زیاد مردم زندگان خودشان را توسعه میدهند و بهمان اندازه که توسعه دادند به استقبال تجمعات میروند و با اقتصادیات مملکت لطمه وارد می آید این است که بنده پیشنهاد کردم از رتبه پنج تا رتبه هفت ده تومان کسر شود و از رتبه هشت تا رتبه یازده بیست تومان و اما اینکه آقای آقا سید یعقوب در جواب آقای حاج میرزا مرتضی فرمودند که ما اهمیت قوه قضائى را نمیدانیم و الا اگر میدانستیم این حرفها را نمیزدیم بنده گمان میکنم که اهمیت قوه قضائى مربوط به پول دادن نباشد بلکه اهمیت قوه قضائى به انتخاب قاضى خوبست یعنی پیدا کردن قاضى با اطلاع و صالح و اشخاص کاردان و گذاردن در سر آن کاری که از عهده او بر بیایند بالاخره اهمیت قوه قضائى به دادن حقوق زیاد نیست اگر شما به بکنفر هزار تومان هم بدهید وقتی دارای این شرایط نباشد و نا اهل باشد هیچ استفاده از او نمیبیرد اگر بکنفری که اطلاعات علمی او اکتفا نکند که يك شغلی را حائز شود با دادن حقوق زیاد بهیچوجه نمیشود او را مطلع کرد بلکه اهمیت قوه قضائى را بنده هم میدانم که در مقابل قوه مقننه و مجریه است

است ولی این اهمیت مستلزم این است که ماقاضی خوب درست کنیم و قاضی خوب که درست کردیم ازش استفاده کنیم و بگذاریم لطمه هوش وارد بیاید. اختیارات بهش بدهیم بیانات و احکامش را بوقع اجرا بگذاریم. بنده اطلاع دارم در همین موقع يك موضوعی است راجع بیک ملکی مالیه رفته است ملك مرد که را برده و تصرف کرده آن بیچاره رفته در عدلیه تظلم کرده از عدلیه هر چه بفرستند عدلیه که نماینده بفرستید این محاکمات را خانه بدهید نماینده نمی آید. اهمیت قوه قضائیه راجع به این امور است که تمام وزارتخانهها خودشان را مقید بدانند که در يك موقعی که يك قاضی عرضحالی راجع بکنفر میدهد خودشان را حاضر بکنند و الا به دادن حقوق زیاد که بنده بگویم ده تومان کمتر یا آقا بگویند پنج تومان زیاد تر. باین چیزها قاضی خوب پیدا نمیکنیم بلکه باید قاضی تربیت بکنند. قاضی در مملکت ما کسی است که جامع حقوق دنیائی ما باشد. جامع حقوق جدید باشد. تجر بیات داشته باشد و دزد هم نباشد. اگر يك همچو قاضی خوبی پیدا کردید آن خوبست. بعضی از نمایندگان - همچو قاضی نیست.

حاج شیخ بیات - و الا به دادن حقوق زیاد ممکن است اصلاح شود.

مخبر - فرمایش نماینده محترم روی این زمینه بود که از این رتبه های عالی باید یکی ده تومان کم بشود یعنی از حقوق قضاة و رتبه های قضاة را هم از میزانی که سابق میگرفته اند کمتر بکنند. بطوری که کمیسیون بودجه اصل قضاة را تنظیم کرده با ترتیبی که سابقاً حقوق میگرفتند هر رتبه تقریباً پنج تومان علاوه میشود بلکه فرمودند دادن حقوق باید متناسب با فقر و غنای مملکت باشد عرض میکنم در مملکتی که هفتاد و يك روز بودجه اش است وقتی دو کرور صرف قوه قضائیه که یکی از قوای است که در عرض قوه مقننه است بنده يك چیز زیادی نیست. هفتاد و يك کرور اصل

بودجه مملکت است و نازه دو کرور که يك میلیون باشد میخواهند بودجه برای قوه قضائیه بنویسند. سی و پنج يك بودجه مملکت برای قوه قضائیه که مبنای تمام اصلاحات است قرار داده شده يك چیز زیادی نیست و کمیسیون بودجه کاملاً رعایت این نظریه را کرده و همین دلیل بود که با اینکه مجلس شورای ملی حق رتبه ۹ را چهار صد تومان معین کرده بود کمیسیون بودجه ...

حاج شیخ بیات - کی معین کرده بود مخبر - خود مجلس معین کرده بود با این ترتیب برای تأمین نظریه نماینده محترم صد و ده تومان از این رتبه کم کرد و دو بیست و نود تومان قرار داد. فرمودند که اهمیت قوه قضائیه بخوبی قاضی است البته این صحیح است که قاضی عالم و امین باید قضاوت کند اما این را هم مطمئن باشید که قاضی وقتی خوب و امین شد بایک حقوق جزئی نیاید حاضر شود و این زحمات را متحمل شود. مگر اینجا مذاکره میشود که يك تلازمی مابین کثرت حقوق و امانت نیست کسی نمیکوید که این تلازم هست ولیکن به عکسش هم نمیشود اطمینان پیدا کرد که به يك کسی که صحت عمل و عفت نفس دارد بگویند چون تو صحیح العمل هستی باید بایک حقوق قلبی بیائی متحمل این زحمت بشوی و توقع صحت عمل هم از او داشته باشید ولی اگر يك حقوق کافی داشته باشد نه فقط نی نیازی او را از رشوه و ارتشاء باز میدارد بلکه به احتمال اینکه اگر خارج از وظیفه عمل بکند این حقوق کثرت ازش قطع میشود همین اسباب این میشود که به صحت عمل رفتار کنند کمیسیون بودجه وقتی این اشرا را تنظیم کرد سه نظر را رعایت کرد یکی اینکه مملکت بتواند این حقوق را تأدیه کند و بطوری که مراجعه مردم به بودجه این میزان که معین کرده اند يك میزان عادلانه ایست که پرداختش از قوه ملت خارج نیست نکته دیگر تأمین معاش قاضی است که آنها هم به حد عدالت است یعنی آنطوریکه آقای وزیر پیشنهاد کرده بودند که اینکه



بعضی از آقایان پیشنهاد میکنند و این يك حد متوسطی است که نسبت بحقوق مستخدمین کشوری هررتبه بیست و دو تومان بایست و شش تومان تفاوت دارد و نسبت بحقوق قضاة که سابقاً معمول بود از پنج تومان ناشش تومان تفاوت دارد یکی هم رعایت این نظر که تناسبی مابین وزارتخانهها باشد که حقوق يك وزارتخانه زیاد نباشد که سایر مستخدمین دل سرد باشند گرچه مابین قوه قضائیه و سایر مستخدمین يك تفاوت بینی هست معذالک بطوری که قبلاً آقای وزیر عدلیه پیشنهاد کرده بودند چون حقوق آنها را زیاد پیشنهاد کرده بودند کمیسیون بودجه برای اینکه حقوق هارا متناسب با سایر وزارتخانهها بدهد از این جهت تعدیل کرد در هر صورت پیشنهاد نماینده محترم را کمیسیون قابل قبول نمیداند و طوری که رتبه قضائی را تنظیم کرده است طرز عادی آنه است.

حاج شیخ بیات - بنده پس میگیرم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای احتشامزاده

( بشرح ذیل خوانده شد )

پیشنهاد میکنم عبارت ماده واحده بطریق ذیل اصلاح شود:

ماده واحده - حد اقل حقوق رتبه های قضائی بترتیب ذیل مقرر است

مخبر - این را بنده قبول میکنم

نایب رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - بنده نظرم در عبارت ماده بود در میزان ربع نظری ندارم مطابق نظریاتی که در کمیسیون بودجه بوده منظور این است که اشخاصی که رتبه قضائی دارند این حقوق را داشته باشند بنا بر این بهتر این است عبارت باین طریق نوشته شود که بنده پیشنهاد کرده ام البته هر مستخدمی در دوره خدمتش يك حقوق نمیکبرد زیرا اگر بنا شود برای مستخدمین در تمام مدتی که خدمت میکنند يك حقوق قائل شویم آنوقت اصل

تشویق ازین میروند بنده عقیده ام این است که بهتر این است ( همانطور که در قانون استخدام هم مقرر است ) يك حد اقلی برای آنها قائل بشویم که بعد بتوانند از آن حد اکثری که معین میشود استفاده کنند این است که بنده نوشته ام حد اقل حقوق رتبه های قضائی بقراری است که در ذیل مقرر است.

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید؟ این پیشنهاد را حالا آقای مخبر قبول کردند ولی ما بقدر امکان نحواستیم با رفقای خودمان یعنی اعضاء کمیسیون بودجه نظر مخالفی داشته باشیم آقای مخبر قبول کردند ولی بنده نمیدانم چطور قبول کردند ما هیچ نظر نداشتیم به این مسئله که بعد داخل گردید و بنده هیچ نفهمیدم. مرتبه اول پنجاه تومان یعنی از برای او اعتبار باشد که حد اقل را به رتبه دوم هم برساند؟ خیر آقا بنده که رای دادم و مدافع هستم باین ترتیب رای دادم که عنوان اقل و اکثری در بین نباشد و همین اصل حقوق باشد والا فردا همان بالای قانون استخدام کشوری را بر سر ما وارد می آورد. خیر بنده جداً مخالفم و باید عین همین باشد و من هم بهمین ترتیب رای دادم.

مخبر - اگر نظر آقای آقا سید یعقوب باشد در این قسمت مذاکره شد که ما اصل را تغییر میدهیم و الا قانون استخدام قضاة بجای خودش است. در قانون استخدام کشوری قضاة است که در صورتیکه سه سال یا پنجسال خدمت بکنند با يك شرائطی ممکن است حداکثر را بگیرند در کمیسیون هم این موضوع مذاکره شد و بنده که قبول کردم منظور آن قسمتی بود که اظهار کردند حقوق رتبه قضائی اینطور است. بنده این قسمت را قبول کردم و وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم جمع بین نظر آقایان باشد بجهت اینکه عجله مسئله حد اقل و اکثر در اینجا مطرح نیست و اگر در عبارت خودشان تغییری قائل شوند که نوشته شد حقوق رتبه های قضائی بطریق ذیل است

بهر خواهد بود احتشامزاده - بنده قبول میکنم که نوشته شود حقوق رتبه های قضائی

مخبر - بنده هم قبول کردم منظورم همین بود.

نایب رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای احتشامزاده با اصلاحی که شد...

مخبر رأی نمیخواهد

نایب رئیس - پیشنهاد آقای بدر

( بنحو ذیل خوانده شد )

پیشنهاد میکنم که عده قضاة و صاحب منصبان بار که و مدیران دفاتر محاکم که دارای رتبه قضائی میباشد و مشمول حقوق مقرر در لایحه کمیسیون بودجه خواهند بود وزارت عدلیه مطابق تشکیلاتی که داده است عده هررتبه را تعیین نموده و به اطلاع مجلس برساند تا مبلغ مجموع آن معین و باعتبار آن وزارتخانه سنجیده شده پس از آن رأی داده شود بعضی از نمایندگان - یکمرتبه دیگر قرائت شود

( مجدداً بشرح سابق خوانده شد )

نایب رئیس - بفرمائید

بدر - عرض کنم بنده در باب کم و زیادی کار ندارم عرض بنده در باب عده است این صورتی که فعلاً آورده اند يك اشلی است معلوم نیست. فقط در آن دو درجه ۱۰ و ۱۱ عده معین شده است و در رتب دیگر معلوم نیست که چند نفر خواهند داشت. چون تشکیلاتی در عدلیه داده شده و البته تشکیلاتشان هم نا حال تمام است بنده تصور میکنم با اعتباری که عدلیه دارد برای اینکه معلوم شود که این اعتبار تکافو میکند با این عده یا نمیکند غرض است که اصل صورت عده را معین کنند و چون مجلس مقرر کرده است که امروز وزارتخانه تشکیلاتش را بیاورد بهتر این است آقای وزیر عدلیه از وزارت عدلیه شروع بفرماید. عده و تشکیلاتشان را بیاورند

که معلوم شود رتبه شش چند نفرند آنوقت ما حساب کنیم به بینیم مثلاً رتبه شش چند نفر است و يك میلیون و نیم تکافو میکند با بیشتر از این خواهد بود. اگر بیشتر است باید اعتبار علیحده داد و اگر تکافو میکند که هیچ. يك تشکیلاتی بر طبق اعتباری که داشته اند داده اند و بنده خودم يك حساب کرده ام و البته حساب بنده حساب تحقیقی نیست و تخمینی است. مثلاً رای رتبه (۹) بنده حساب کرده ام بیست نفر. رتبه (۸) بیست و پنج نفر - رتبه (۷) پنجاه نفر - رتبه (۶) پنجاه نفر - رتبه (۵) شصت نفر - رتبه (۴) هشتاد نفر رتبه (۳) صد نفر رتبه (۲) صد و پنجاه نفر - رتبه (۱) دویست نفر اگر باین حساب باشد و زیاد تر نباشد با این اصل فعلی با نصد هزار تومان میشود حقوق آنها را داد. حالا وزارت عدلیه هم هست ثبت اسناد و تشکیلات دیگر هم هست که آنها دو مرتبه علاوه خواهد شد. پس اگر ما بطور تحقیق بخواهیم بفهمیم که این مبلغیکه ما معین کرده ایم با عده آنها تکافو میکند یا نه باید عده رتبه ها را بدانیم. تشکیلات اولاً در همه جا عده اش معین است. رتبه همه جا معین است غیر محدود که نمیشود مثلاً صد پنجاه نفر میتوانند دارای این رتبه باشند و بیشتر از این نمیتوانند. آنوقت البته از روی آن میتوانیم بفهمیم که اعتبار مان زیاد است یا کم است. ممکن است ما این اصل را تصویب کنیم و بعد از روی این اصل تشکیلاتی را که ضرور داریم بدهیم و دو میلیون سه میلیون بشود آنوقت که ما نداریم و مجبور خواهیم شد که از همه در موقع حساب بکاهیم. پس حالا برای اینکه از آن محظور فارغ شویم بهتر این است که از اول عده هر يك از این رتبه ها معلوم شود. این يك منظور. منظور دوم این است رتبی که فعلاً هست و اشخاصیکه از خارج آمده اند داخل شده اند آنها بعد از یکسال یا دو سال منتظر خدمت میشوند اینها حقوقشان چه میشود؟ در جای دیگر هم همین حقوق را خواهند داشت؟ یعنی فرض فرمائید



يك كسى در اين جا رتبه هشت داشته است بعد از اين جا خارج ميشود و ميرود بوزارت داخله آيا در آنجا هم همين رتبه هشت را خواهد داشت ؟ اين كه نميشود . با اينكه اين يك رتبه است كه موقتاً براي اين جا است ؟ و اگر رفت مشمول قانون استخدام كشوري خواهد بود يا نه ؟ چون ميزالى كه الان وزارت ماليه ميگيرد حقوق است . هر كس صد تومان موجب گرفت او ميزان درجه كارش است . آنوقت معلوم نيست كه آيا همين درجه را خواهد داشت يا نه . فرض بفرمائيد اين شخص درجه هشت را داشت . آنوقت با اين درجه ميتوانيد حاكم يا فرمانفرما بشود و وقتي كه انتقال پيدا كرد آيا ميتواند همين درجه را داشته باشد يا نه ؟ چون اينجا هم قضاة را مينويسد و هم صاحبمنصبان پارچه و مدبران دفاتر پارچه را جزو قضاة شمرده و با آنها هم سمت قضاوت داده . يكي هم اين است كه مجلس مقرر کرده است كه مستخدمين سابق وزارت عدليه هم حقوق انتظار خدمت بگيرند و يك عده ديگر هم هستند كه اينها وارد ميشوند و بعد منتظر خدمت ميشوند با اينكه از اشخاص قديم هستند اينها تكليفشان چه ميشود ؟ اگر اين بود چه تمام صرف اين رتبه ها ميشود آنوقت تكليف منتظرين خدمت چيست ؟ اين است كه بنده تصور ميكنم بهتر اين است آقاي وزير عدليه صورت اين درجات يعني عده آنها را كه مثلاً رتبه يك صد نفر رتبه دو صد و پنجاه نفر هر عده كه دارند بر حسب تشكيلاتشان يك صورتي بدهند بمجلس . مجلس آن صورت را با اين حقوق مقايسه ميكند جمع ميكند همانطور كه بنده تخمين کرده ام آن صورت را بدهند بمجلس اگر كسر دارند البته مجلس تصويب خواهد كرد كه كسرش را بدهند يعني ميگويد يك كرور دو كرور من ميدم شما اين تشكيلاتتان را تمام كنيد با اگر نميتواند بدهد آنوقت بايد يا عده را با توافق نظر وزير عدليه كم كند يا اشل را با اين بياورد . پس بنده تصور ميكنم بهتر اين است كه وزير عدليه آن صورت را به مجلس بياورد اگر كسر دارند آن كسرش را بخواهند و اگر هم مطابق است كه تكليف سايرين

هم معلوم ميشود .

شريعت زاده - بنده اخطار دارم

نائب رئيس - بفرمائيد .

شريعت زاده - البته آقاي نماينده محترم متوجه هستند كه موضوع مباحثه تعيين حقوق رتبه هاي قضاوت است و بهيچوجه از نقطه نظر تشكيلات پيشنهاده نشده كه موضوع بحث واقع بشود بنا بر اين بنظر بنده اين موضوع مشمول ماده ۱۱۰ بوده كه بعد از ملاحظه پيشنهاده بايد تذكر داده شود كه اين پيشنهاده جاي تقديش اينجا نيست و در موقع پيشنهاده تشكيلات است هر وقت راجع به تشكيلات وعده قضاة و ساير احتياجات لايحه آمد آنوقت موقع اين مباحثه است .

نائب رئيس - در واقع پيشنهاده کرده اند كه عده

را هم معين كنند . خود آقاي وزير جواب ميدهند

وزير عدليه - اگر اجازه بفرمائيد چون نماينده محترم بياناتي كردند بنده يك جواني عرض كنم . مطلبي را كه اظهار كردند بطور كلي البته خيلى بجا است چون آنچه كه بنده استنباط كردم مقصودشان اين بود كه اگر اين اشل بان ترتيب رأى داده شود آنوقت با عده كه داراي اين رتبه هاي مختلف هستند آيا پول ما تكافؤ ميكند يا اعتبار زيادترى لازم خواهد بود . اولاً اين مقصودشان از براي سال ۱۳۰۷ در تقسيمات كه هيئت دولت کرده است كه البته بعد هم به مجلس ميآيد و تكليفش معلوم ميشود تأمين خواهد شد . عجالتاً از براي امسال يك ميليون اعتبار براي وزارت عدليه است . و بنده هم بايك اشلي شبیه باين اشل ميتوانم تشكيلات عدليه را بدم پس از اين نقطه نظر كه بعد گير بكنيم كيري نخواهد داشت اما راجع به اينكه بنده صورت عده را بردارم بياورم و داخل در تشكيلات بشوم . بنده ميخواهم مختصري اينجا بخواتر آقايمان بياورم البته توجه داشته اند ولي ميخواهم بيشتر توجه بكنند كه اين يك كاري نيست كه تمام جزئيانش از آن روز اول معلوم باشد . بنده خاطر

ميآيد كه وقتي مستشارهاي ماليه آمده بودند تا دو سال بودجه را بمجلس بياوردند گفتند ما نميتوانيم براي اينكه در كار تشكيلات هستيم . بنده شايد در هشت تا نه ماه اين كار را کرده باشم بالاخره بوزارت ماليه هم خواهم داد بمجلس هم خواهم فرستاد ولي ملاحظه بفرمائيد كه يك زحمت فوق العاده ايست و يك كار زيادي است و اگر امروز بنده نكرده ام و اگر نيامده ام تمام جزئيات را اين جا عرض كنم و صورت عده را اين جا دم دستم حاضر داشته باشم كه بمرض آقايمان برسانم بواسطه مشكلاتي است كه در اول كار هست و البته آقايمان نظر بديرفرمانه در اين كار خواهند داشت كه واقعاً براي اينكه كاري پيش برود بايد كار هائي كرد بنده در قسمت آوردن صورت تشكيلات يك نمائتي داشتم و آن اين است كه اين را بگذارند براي وقتي كه اشل گذشت چون فرق است بين اشل كه آقايمان درش حرف ميزنند و صورت بودجه . البته اگر صورت بودجه معلوم باشد كه چند نفر داراي رتبه هفت خواهند بود ولي براي اينكه بنده بطور قطعي بتوانم بودجه را بنويسم بايد بفهمم كه مجلس نوراي ملي روي چه اشلي ميخواهد به قضاة حقوق بدهد و چه اشلي را تصويب خواهد كرد آنوقت بنده هم مي توانم از روي آن اشلي كه معين کرده اند و در حدود آن اعتباري كه تشخيص داده اند بودجه را بنويسم و تشكيلات را بدم بنا بر اين بنده تصور ميكنم كه از اين حيث جاي نكران ايست و بطور قطع بيش از آنچه به بنده اعتبار ميدهند چيزي اضافه نخواهم كرد و اگر بدم فرضاً يك جائي كم و كسر است لابد بايستي بطور كمي و كسر كنيم كه بتوانيم در همان حدود ارا درست كنيم و البته بايستي آقايمان موافقت بفرمايند كه امروز زودتر تكليف اشل معلوم بشود براي اينكه تمام اين اشخاص كه رفته اند بولايان الان چندين ماه است ن حقوقند و واقعاً يك وضعيت خيلى بددي دارند

نائب رئيس - رأى گرفته ميشود به پيشنهاده آقاي بدر

آقايباينكه موافقتن قدام فرمايند

( عده قليلي قيام نمودند )

نائب رئيس - تصويب نشد . پيش نهاد آقاي استرآبادي

( بمضمون ذيل خوانده شد )

بنده پيشنهاده ميكنم كه رتبه ( ۱۰ ) و ( ۱۱ ) حذف شود . رئيس و مدعي العموم تميز فوق رتبه باشند حقوق قضاة تا رتبه ( ۴ ) مطابق تصويب كيسيون و از رتبه ( ۵ ) هر رتبه بيست تومان اضافه شود و حقوق فوق رتبه ( ۲۵۰ ) تومان باشد .

نائب رئيس - آقاي استرآبادي

استرآبادي - بنده قبل از اينكه داخل در موضوع پيشنهاده بشوم ميخواهم عرض كنم كه بنده با كليه اشل مخالفم براي اينكه قدر مسلم اين است كه كليه اشل فارسي نيست عربي هم نيست و ما همه روزه يك دسته الفاظ خارجه را مياوريم و جزو زبان خودمان ميكنيم . اين يك مقدمه ايست و البته در وقت ديگر عرض خواهم كرد گرچه آقاي وزير عدليه و آقاي وزير ماليه نيستند ولي بنده از اين دو وزير محترم تشكر ميكنم از آقاي وزير عدليه از تقطه نظر لايحه كه پررور دادند و از آقاي وزير ماليه هم از اين نظر كه اظهار فرمودند من نهد هزار تومان صرفه جوئي کرده ام و البته يك مملكتي كه اينطور دچار فقر و فلاكت است هر قدر صرفه جوئي بشود براي مملكت بهتر است . آقاي وزير ماليه فرمودند كه من نهد هزار تومان صرفه جوئي کرده ام و البته اين مسئله حقيقتاً قابل تقديس است و اگر ميفرمودند كه از چه محلي صرفه جوئي شده البته بهتر بود و البته هر يك تومان از اين نهد هزار تومان مال يك بيچاره فندرسكي يا غزالي است . در موضوع پيشنهاده بنده آقايمان فرمودند كه اين پيشنهاده رد شده در صورتيكه يك قسمتش رد شده . آقاي حاج ميرزا مرثضي پيشنهاده كردند كه رتبه ده و يازده حذف شود و اين پيشنهاده هم رد شد ولي بنده نظر كيسيون و نظر آقاي وزير عدليه را در پيشنهاده خودم تأمين کرده ام



و پیشنهاد کرده ام که رتبه (۱۰) و (۱۱) حذف شود برای اینکه تا رتبه ۹ را که آقایان معتقد بودند ولی رتبه (۱۰) و (۱۱) را برای يك اشخاص معینی در نظر گرفته اند چنانچه در خود پیشنهاد کمیسیون هم هست که رتبه یازده فقط رئیس نیز و مدعی العموم نیز است و رتبه ده سه نفر اعضایش است پس این پیشنهاد بنده غیر از پیشنهاد آقای حاج میرزا مرتضی است. من پیشنهاد کرده ام که تبعیض بین رتبه های وزارت عدلیه با وزارتخانه های دیگر نباشد زیرا در سایر وزارتخانه ها رتبه بیشتر نیست و بقول بعضی از آقایان این تشکیلات خارج از مملکت ما میباشد. در وزارتخانه ها تا رتبه ۹ بیشتر نیست آنوقت این جا يك محظوری بر میخوریم و آن این است که رئیس نیز به مدعی العموم نیز نمیتوانند در رتبه ۹ باشند و یا يك اشخاص دیگری را بر باشند و بنده در پیشنهاد خود این نظریه را تأمین کرده ام و پیشنهاد کرده ام که رئیس نیز و مدعی العموم نیز اصلاً فوق رتبه باشند ولی تشکیلاتش تا رتبه ۹ بیشتر نباشد که تبعیض نشده باشد و ترجیح بلا مرجحی که اساسش خیلی محکم نیست نباید قائل شد. تا رتبه ۹ باشد و از رتبه نه بیالات تحت عنوان رتبه نباشد و رئیس نیز و مدعی العموم نیز فوق رتبه باشند پس این پیشنهاد رد نشده برای اینکه پیشنهاد آقای حاج میرزا مرتضی این بود که رتبه (۱۰) و (۱۱) حذف شود. و دیگر این قسمت پیش بینی شده بود این یک قسمت. قسمت دیگر راجع بحقوق قضاة است البته در این چندروز صحبت خیلی شده و موافق و مخالف حرفهای خودشان را زده اند. بنده تصور میکنم که حد عدالت و حد وسطش این باشد که بنده پیشنهاد کرده ام اولاً تا رتبه ۴ بطوری که کمیسیون تصویب کرده است باشد زیرا البته پنجاه تومان. شصت و پنج تومان هشتاد تومان و تا صد تومان برای بکنفر آدم زیاد نیست. گرچه بنده معتقدم اینجا در همین امروز و در همین قسمت تکلیف سایر ادارات را هم معین کنیم که در آنجا هم تبعیض

نشود اینجا هم بنده معتقدم که سی و دو تومان خیلی کم است و حداقل و اکثری که در اینجا گفته شد بنده اساساً این را بعقیده خودم منطقی میدانم حداقل و اکثر یعنی چه؟ این قسمت در قانون استخدام سایر ادارات هم باید اصلاح شود. بنده جسارت بوزرای حاضر نمیکنم و نظرم به آنها نیست ولی میتوان گفت این به صرفه جیب عده از وزراء شبیه تر است یعنی مقداری برای حداقل و اکثر معین میکنند و به اشخاصی که میخواهند يك پول هائی میدهند (آقای وزیر عدلیه این پیشنهاد را نکرده اند و خودشان هم گفتند که من این پیشنهاد را نکرده ام) در هر صورت این قسمت بایستی اصلاح شود و در حقیقت بنده تقدیس میکنم فرمایش آقای مدرس را که فرمودند ما باید امروز تکلیف همه کارهای بودجه را معلوم کنیم و همه روزه گرفتار کشمکش و اختلافات نباشیم حتی بنده معتقدم حقوق وکلای هم باید معین کنیم و بنده عقیده دارم که سیصد تومان زیاد است و دو بیست تومان هم که آقایان میگویند کم است و حد وسطش که دو بیست و پنجاه تومان است باید باشد و این قسمت را وقتی بموقعش رسید عرض میکنم. در هر صورت بنده این جا عقیده دارم که تا رتبه چهار همینطور که کمیسیون پیش بینی کرده است باشد ولی از رتبه پنج بیالات که تا رتبه ۹ است (این قسمت را باز تکرار میکنم برای اینکه حقوق رتبه نیز و مدعی العموم نیز فوق رتبه است) هر رتبه بیست تومان اضافه شود ولی تا رتبه چهار دست نخورده و بنده تصور میکنم که این ترتیب هم خیلی دور از شئون آقایان قضاة نیست و هم زیاد تحصیل بر مملکت نشده و این جا ناچارم يك قسمت را در خانم عریض خودم را عرض کنم و آن این است آقای آقا سید یعقوب سلمه الله پانزده ماده قانون اساسی را تطبیق کردند با حقوق و اضافه حقوق قضاة و حال آنکه قانون اساسی يك مراتب برای قضاة قائل شده و همینطور هم هست برای اینکه قاضی در

ملکیت ما باصطلاح امروز محترم از سایرین است ولی قانون اساسی ربطی به اضافه حقوق ندارد همین جهت از اول مشروطیت که این قانون اساسی وضع شده تا امروز هیچوقت گفته نشده که مطابق قانون اساسی رتبه قضاة یا حقوق آنها را فلان قدر بکنند. پس قانون اساسی مربوط به رتبه و اضافه حقوق قضاة نیست. يك قسمت دیگر هم که فرمودند که آیات و اخبار شأن قاضی را خیلی بالا برده این جا جسارت میکنم خدمتشان ببله آیات و اخبار که برای قاضی يك احتراماتی معین کرده مقصود از آن قاضی مجتهد جامع الشرایط است این قضاة ربطی به آیات قرآنی ندارد قرآن و اخبار فقط راجع به قضاة محاکم شرعیه و مجتهد جامع الشرایط است... مخبر - مطابق ماده ۶۳ توضیح پیشنهاد باید مختصر باشد استرآبادی - و مربوط باین ها نیست و این قسمت را هم در خانم عرض میکنم که همانطور که بعضی از آقایان هم فرمودند بنده تصور نمیکنم دادن اضافه حقوق يك آدمی در صحت عمل فرق داشته باشد برای اینکه يك اشخاصی در این موضوع امتحان دادند و همین اشخاصی را هم که خود آقای وزیر عدلیه معین کرده اند از قبیل میرزا رضا خان و اینها من میتوانم قسم حضرت عباس بخورم که اگر ماهی پنجاه تومان هم به آنها بدهند دزدی نمیکنند و اگر بعکس اینها باشد بالاخره سه هزار تومان هم بدهید باز دزدی خواهند کرد. روحی - در ماده ۶۳ مصرح است که در پیشنهاد باید نماینده خیلی مختصر صحبت بکند استرآبادی - خوب بود قسمت آقا سید یعقوب را هم می فرمودید مخبر - این مطالب غالباً تکرار مکررات بود و تمامش مذاکره شده و يك مقداری هم خارج از موضوع بود و مجلس اینجا نبود و يك قسمت هم راجع بحقوق وکلای و غیره بود که جواب اینها هم داده شده و در هر صورت کمیسیون نمیتواند این پیشنهاد را قبول کند.

نایب رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای استرآبادی آقایان موافقین قیام فرمایند (عده مختصری قیام نمودند) نایب رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای مدرس. (بترتیب ذیل خوانده شد) پیشنهاد می کنیم که بودجه عدلیه از روی نسبت واحد بترتیب علاوه صد بیست رتبه مادون بر رتبه مافوق بترتیب ذیل اصلاح شود: ۵۰ تومان ۶۰ تومان ۷۲ تومان ۸۶ تومان ۹۷ تومان ۱۱۶ تومان ۱۳۹ تومان ۱۶۴ تومان ۱۹۶ تومان ۲۰۵ تومان ۳۰۰ تومان نایب رئیس - آقای مدرس مدرس - درجانی که نوشتم يك قدری اشتباه شده است اگر چه باید در پیشنهادها خیلی مختصر صحبت داشت ولی مسئله بودجه از باب اتفاق هم بودجه عدلیه پیش آمده است اگر اول بودجه استخدام سایر ادارات هم بود لابد خیلی صحبت داشته میشد بجهت اینکه فردا بودجه کل مملکتی عنوان میشود بعقیده من باید اساس داشته باشد همینطور که یکی از آقایان فرمودند که اشل را نمیدانیم چه لفظی است من خیال میکنم اگر ما اشل را بخواهیم خودمان يك لفظ خون را بش قائل شویم باید بگوئیم اصل یعنی يك اساس قانون يك قاعده کلی باید يك اصلی برای حقوق معین کنیم. مخبر - درجه مدرس - آن ترتیب ها مصدق و محقق اصل است نه خود اصل است. همینجوری که آمدیم در قانون استخدام يك نسبتی از برای ترقی درست کردیم يك اصلی درست کردیم که کمیسیون بودجه و مجلس شورای ملی آن درجه باین را معین کند و بعد سایر مراتب را روی آن اصل ببریم همینقدر شی و دو تومان را اگر یکسال آمد



دید که بودجه اش وافی نیست سی ویکتومان کرد تمام درجات روی این اصل میبود و اگر بگرفت دید کم است سی و پنجتومان کرد باز دیگر داخل مذاکره در باقی رتبه ها نمی شود اینجا هم باید يك نسبتی از روی عدل و انصاف و امکان درست کرد . بعقیده من آقایان خوب توجه بفرمایند آن نسبت را من چنداں مضایقه ندارم که این نسبتی که من گفتم شما قبول نکنید اما هر چه باشد روی يك فلسفه است من نسبت درجه را صد بیست قرار دادم شما میفرمائید صد بیست کم است یا آقایان دیگر بفرمایند صد هیچده اما نه کتره ...

باسائى - کتره نیست روی تناسب است

مدرس - وبل لمن ساوى بوماء . سال دیگر من از امسال ترقی میکنم با از پیرار سال ؟ ترقی من در خدمت در سال آینده از امسال من است یعنی هر جور که امسال هستم باید ترقیم بدهید نه سال دیگر را روی پیرار سال یعنی چه ؟ درجه دوم ثلث اصل درجه سوم ثلث اصل درجه چهارم ثلث اصل این چه فلسفه است ؟ من سه سال آمده ام خدمت کرده ام حقوق من بیست تومان بود این سه سالی که خدمت کرده ام حقوق من رسید به بیست تومان سه سال دیگر که خدمت کردم از بیست تومان باید ترقی کنم بیست و پنجتومان سه سال دیگر که ترقی کردم از بیست و پنجتومان ترقی بدهند بنده میگویم آقا فرق زمان استبداد و مشروطه چه بود ؟ زمان استبداد من میشدم والی حاکم فلانجا برفتم روی نظریات خودم يك ترکیبانی درست میکردم يك رفیقهای میکردم يك دزد هائی هم میشناختم دزدها را التماس میکردم سرکوبی میکردم يك دو سه سالی میماندم همینکه من میامدم از آنجا باز بهم میخورد بجهت اینکه در تحت نظریات خصوصی يك ترتیبانی داده بوده دوم مرتبه که بهم خورد يك والی دیگر در تحت يك نظرهای دیگر بمقتضای نظریات . و سلیقه خودش فلان کدخدا را میآورد ده تومان قرار میداد یکی بیست تومان

ش سی و پنج تومان . این نسبت را بشما عرض میکنم شما میخواهید در مجلس با در تنفس تأمل کنید هر چه که روی فلسفه کم و زیاد کردید اما در نسبت واحد . من حرفی ندارم این فرمایشات که آقایان فرمودند چه از درستان که قبلا فرمودند و چه از آقایان که قبلا فرموده بودند من تمامش را مخالفم و گمان میکنم بیفلسفه باشد که آن یکی را بیست و پنج تومان بالا ببریم يك درجه را سی و پنجتومان بالا ببریم يك درجه را چهل و پنجتومان بالا ببریم این هیچ فلسفه ندارد حالا بنده عرض میکنم آن صورتی که دادم خدمت آقا کوبا در حساب قدری اشتباه است درجه اول پنجاه تومان درجه دوم صد بیست شصت تومان درجه سوم صد بیست هفتاد و دو تومان درجه چهارم صد بیست هشتاد و شش تومان درجه پنجم صد بیست و سه تومان درجه ششم صد بیست و هفت تومان درجه هفتم صد بیست و هشتاد و شش تومان درجه هشتم صد بیست و هفتاد و شش تومان درجه نهم صد بیست و دو و یازده تومان درجه دهم صد بیست و دو تومان درجه آخر صد بیست و یک تومان این بدرجه واحد است آقای وزیر عدلیه آقایان وکلا میگویند از اول صد بیست ترقی کم است روی چشم میگذارم بگویند صد بیست ترقی کم است صد بیست و دو کنند اما آن صد بیست و دو را آخر بکنند صد بیست و دو صد بیست و دو همینطور بالا بیاید . میفرمایند ما پول خیلی داریم صد سی ترقی بدهیم باز هم روی چشم آنها را هم بیشتر پول بدهید من که بدم نمیآید اما باز صد سی همه را يك جور بدهید بگویم که میخواهد ترقی کند صد سی ترقی کند پنجمی که میخواهد ترقی کند صد سی ترقی کند و هکذا . باید بالا . درجه اول را یازده تومان علاوه میکنید بقیه شما که میفرمائید ضعفا هستند آنوقت درجه ششم بکترتبه چهل و شش تومان ترقی میکنند من میگویم یا

آن درجه پائینی مثل بالائی ترقی کند یا بالائی ها مثل پائینی ها ترقی کنند یا هر دو يك حد مساوی عادلانه داشته باشد حالا این فرمایشی که آقایان دارند و اینها آنرا بهتر میدانند من حرفی ندارم ولی اگر صلاح بدانید این عرض بنده دو پیشنهاد مقدمان است الان تشریف ببرید در اطلاق تنفس حسابش را بکنید به آقای باسائی عرض میکنم اگر دیدید ترقی دادن صد بیست کم است بفرمائید صد سی . بنده در قانون استخدام تا صد چهل هم حرفی ندارم اما از درجه دو به سه صد چهل از سه به چهار صد چهل همینجور صد چهل صد چهل تا برود بیلا بابا من سال دیگر باید از امسال ترقی کنم هر سالی بمقتضای خدمتم از آن حقوقی که آن سال دارم باید ترقی کنم بهمان نسبت که رفیقم از پارسال ترقی کرد رفت بالا بهمان نسبتی که چند سال دیگر او ترقی میکند میرود این پیشنهاد من است و من حساب که کرده ام این یازده درجه درجه آخرش می شود سیصد تومان اما درجات دیگر چنداں تفاوتی ندارد درجه دوم از من شصت تومان از آقایان شصت و پنج تومان . درجه سوم ۷۶ است از آقایان ۸۰ درجه چهارم ۸۶ است . درجه پنجم صد و سه است و هکذا صد و بیست و سه . صد و هفتاد و شش . دو بیست و یازده . درجه ده ۲۵۲ درجه آخر سیصد . حالا این پیشنهاد من است و همین میزان هم عقیده من این است که باز اگر میخواهیم پس فردامعطل نشویم قانون استخدام کشوری در کمیسیون بودجه آقا حقیقه میخواهند امسال درست کنند بنده اطلاع کامل داشتم که میخواهند درست کنند لکن همه میدانیم که فشار هائی هم ما داریم هم شما دارید هم آنها دارند من هم زیاد تر دارم اما باید حساب عدل و انصاف را کرد که چه داریم از روی انصاف بدهیم اما آنچه میدهیم به نسبت واحد آنچه وظیفه مجلس شورای ملی است این است که آن کار که میکنند اساسی و از روی عدل و انصاف باشد این وظیفه



ماست حالا استخدام کشوری هم بعقیده من اگر صد سی یا صد چهل و پنج یا صد چهل هر چه میداند قرار بدهید اینکه رفقا را بزحمت انداختم برای این بود که این ترتیب امروز بفردا انداختن خوب نیست آخرش باید کار را شما ها بکنید هر چه زودتر آنها هم بعقیده من صد سی یا صد سی و پنج بشود چون آن ها درجه شان روی سی و دو است اینها درجه پائینشان پنجاه است این را صد بیست علاوه کردیم آنرا صد سی علاوه کنیم اما به نسبت واحد برود بالا و الا این معنی ندارد که امسال حقوق من صد و چهل تومان است سال دیگر بشود دو بیست تومان آخر یک دفعه ماهی شصت تومان زیاد شود در نحت چه فلسفه است. این پیشنهاد بنده است دیگر اختیار با خود آقایان است حسابش را هم بکنید پری تفاوت نمیکند با آنچه خودشان میگویند وزیر عدلیه - فرمایشی که نمایندگی محترم فرمودند قبل از اینکه پیشنهاد بدهند در این موضوع با بنده صحبت کردند و بنده رقم خدمتشان نشستم ولی بالاخره نتوانستم با آن نظر موافقت کنم. آقا تناسبی را که اظهار می فرمایند و باید در نظر گرفت تناسب بین ارقام است میفرمایند اگر پائینی شصت تومان باشد بعد پانزده تومان اضافه کردیم باید همینطور پانزده تومان، پانزده تومان بالا برود ولی بین ارقام را ایشان میخواهند تناسب قائل شوند بنده تناسب بین حقوق و کار را در نظر دارم. کلیه این اصلی است که آقا در نظر دارند حالا بنده نمیخواهم وارد بشوم در اینکه این ترتیب را ما از قوانین سایر ممالک گرفته ایم و هیچ کجا اینطور نیست پانزده پانزده یک مبلغی را بگیریم برویم بالا....

مدرس - بگذارید دنیا هم یکمرتبه حرف حسابی ما را بشنوند همه اش ما بشنویم و تقلید کنیم؟

وزیر عدلیه - برای اینکه از دو صورت خارج نیست با آن ماه تفاوت و آن اضافه را که ما میکنیم یک مبلغ زیادی است با یک مبلغ کمی است یعنی یا مثلاً میفرمائید

کنیم شاید صرفه نبریم. بنده خیال میکنم که تا یک مدتی ما در این قسمتهای اداری و این قسمتهای تشکیلاتی اگر تجربیات دیگران را مورد عمل قرار بدهیم بهتر از این است که اصول جدیدی ایجاد کنیم و بدیگران بگوئیم شما بیایید اتخاذ کنید از ما پس برای این که بنده خلاصه کرده باشم چون می بینم حواس آقایان جمع نیست اینطور میفرمایند که یک نسبتی بین حقوق رتبه های از پائین بیالا همه پانزده تومان باشد مثلاً شاگرد بنا که نمیدانم فلاقتدر است که دو هزار عمله چهار هزار بنا شش قران اینطور است دیگر دو قران دو قران بالا برویم در صورتیکه شاگرد بنا را از هر جا میشود پیدا کرد عمله هم زیاد میشود پیدا کرد ولی بنا مشکل است نباید چون این یکی چهار قران شد حکماً وقتی به بنا رسیدیم شش قران بشود....

آشتیان - اینجا راجع به قضات است.

وزیر عدلیه - ممکن است آقا طرز بیانی داشته باشید بنده یک طرز بیانی. منتها طرز بیان بنده خیلی ساده و خودمانی است عادت دارم باینکه مثل زده باشم آقا وقتی خواستند صحبت کنند طور دیگر صحبت کنند ولی مسلماً میدانم که اینجا صحبت در بنا و عمله نیست...

حاج آقا رضا رفیع - خدا به کوزه ساز خودش را مثل میزند.

وزیر عدلیه - عجالتاً در این موضوع اشل بنده آن حدی را که میتوانستم موافقت کنم و کمیسیون بودجه هم برداشت و معین کرد همان بوده است که ملاحظه میفرمائید البته اگر بخواهیم پیشنهاد بدهیم ممکن است از حالا ناده روز دیگر پیشنهاد بدهیم و حرف بزیم. یکی از آقایان بمن گفتند که تو چرا حرارت میکنی مگر برای خودت است. این حقوق بنده که نیست. این حقوق یک اشخاصی است که آنها میباشند و بنده میروم بنده مصلحت مملکت را این طور می بینم. بنده عقیده دارم اگر شما بخواهید یک عدلیه

داشته باشید باید مقدماتش را فراهم بکنید و در یک مواردی ممکن است شما یک بوطهای زیادی هم ببخود بدهید برای اینکه در آنجا میتوانی یک چیزی از آب در بیاورید یک تشکیلاتی داشته باشید که قابل باشد اساساً زحمت کار قضائی و مسؤلیت او بیشتر از زحمت و مسؤلیت دیگران است تنها صحبت این نیست که اگر بیشتر بهش پول بدهیم برای این است که دزدی نکند برای این است که یک اشخاصی که در جاهای دیگر یک مقاماتی رسیده اند و قابل هستند بیایند. غیر از این اگر بود نمیشد چنانکه سابقاً میشد و برای اینکه کسان دیگر که در آنجا میآیند حساب کنند که اگر بروند چندین سال تحصیل میکنند و دارای یک معلومات کاملی باشند میتوانند بیایند آنجا با آبرو مندی زندگان کنند نه اینکه مجبور شوند بروند بسایر ادارات و اشخاصی که دارای تحصیلات بودند اغلب حاضر نمیشدند برای اینکه میگفتند حقوق عدلیه کم است. اینکه گفته میشود حقوق زیاد تر داده شود روی این دلایل است. بنده معتقد بودم از اول و باز هم معتقدم که حقوق قضات باید کافی باشد و بیش از این هم مصلحت نیست کم بشود بنده نمنا میکنم از آقایان که میخواهند واقعاً موافقت بفرمایند با بنده بگذارند این کار بیک جایی برسد و در اینجا چندان حساب بکشای و صد دینار را نکنند تمام صرفه جوئیهاشان را در بودجه عدلیه نکنند بودجه مملکتی هم فردا میآید....

آقاسید علی اکبر آیه الله زاده اصفهانی - از عدلیه شروع شود چون آزمایش است.

حاج آقا رضا رفیع - مباحثه بین اثنبی است. وزیر عدلیه - بلی. آقا از نظر لطف شخصیشان با بنده گاهی همینطور مذاکره میکنند مدتی است در اطراف این قضیه و این پیشنهادها صحبت میشود آقایان بیایند موافقت بفرمایند بهمین اندازه که کمیسیون بودجه آورده است پائین بهمین صورت موافقت بفرمایند بالاخره



سال آتیه هم هست ادارات دیگر هم هست پولهای دیگر هم که در مملکت خرج میشود هست. خوب بود این صرفه جوئیها را آقایان در يك موقع دیگر کرده باشند و بنده تصور میکنم اگر بخواهید از این کمتر کنید بر خلاف مصلحت تشکیلاتی است که بنده خیال میکنم آن تشکیلات برای مصلحت است

نایب رئیس - این ارقامی که اینجا نوشته شده با آن ارقامی که شفاهاً توضیح دادید تفاوت دارد چطور می خواهد رأی گرفته شود ؟  
مدرس - حالا اگر آقایان صلاح میدانند تنفس داده شود که يك مذاکره بکنیم

نایب رئیس - آقای زوار  
زوار - عرض کنم که الان ظهر است . . . . . یکی از نمایندگان - بر میگرددیم .

زوار - نه بر نمیگردید. بنده تجربه دارم الان اگر تنفس داده شود تا شریف ببرید بیرون و رئیس بنشینند و بیچاره پیشخدمت داد بکشد آقایان بفرمائید سه ساعت طول میکشد و در این موضوع هم پیشنهادات داده شده و کمان میکنم راجع باین موضوع هم پیشنهادات با اندازه کافی داده شده حالا هم اگر آقایان تشریف دارند بفرمایند

نایب رئیس - مخالفی نیست !  
( اظهاری نشد )

نایب رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای مدرس . . بعضی از نمایندگان - اول بتنفس رأی بگیرد .

نایب رئیس - مخالفی نبود  
بعضی از نمایندگان - چرا مخالف بود  
نایب رئیس - رأی گرفته میشود بتنفس آقایانیکه موافقت تنفس بشود قیام فرمایند  
( عده قلیلی قیام نمودند )

نایب رئیس - تصویب نشد. رأی گرفته میشود به

پیشنهاد آقای مدرس آقایانیکه موافقت قیام فرمایند  
( عده برخاستند )

نایب رئیس - تصویب نشد. چون چند پیشنهاد هنوز باقی است میخواهم بطور کلی از آقایان خواهش کنم که در پیشنهادشان یکقدری با اختصار توضیح بدهند که امروز تمام شود. پیشنهاد آقای فیروز آبادی  
( مضمون ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم که رتبه اول قضات پنجاه تومان و هر رتبه که بالا میرود ده تومان اضافه شود تا صد تومان و از رتبه هفت به بالا هر رتبه که بالا میرود بیست تومان اضافه شود تا رتبه ده رتبه یازده حقوقش دو برابر و پنجاه تومان باشد

نایب رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده تعجب میکنم يك روحی در ماها پیدا شده که همه اش روح خرج است روح دخل نیست همه اش باید خرج کنیم و زیاد بدهیم. باز هم دزد است. اگر تمام دنیا را بدزد دزد است و آنکه طبیعتش دزد نیست اگر هیچ باو ندهید دزدی نخواهد کرد شما بیائید امتحان کنید به بینید در اشخاص صاحب ثروت دزد و خائن بیشتر است یا در اشخاص فقیر غالباً خائن در اشخاص صاحب ثروت است در فقرا کمتر خائن دیده میشود پس معلوم میشود که حقوق زیاد اسباب خیانت است و علاوه بر این مملکت مقتضی این خرجها نیست اگر راستی راستی دل ما برای اهل این مملکت میسوزد یکقدری در این بودجه ها صرفه جوئی کنیم و فکر کار بجهت مملکت باشیم. بعضی از آقایان در ضمن فرمایشاتشان میفرمایند که این پول مال فقرا نیست مال اغنیاء است بنده عرض میکنم که تمام پولها حق آنهاست هم که در کمربند گرفته میشود از فقراست قند و چای و این جنسهاست که وارد میشود فقراست مملکت غالباً مصرف میکنند. عایدی این مملکت در واقع

همه مال این فقراست بدبخت است و افراد این مملکت همه فقیرند شاید صد یکشان فقیر نباشند شما ملاحظه حال فقرا را بکنید همه اش بفرمائید پول باید زیاد داده شود که دزدی نشود. مجازات بکنید تا دزدی نشود. بنده این پیشنهاد را کردم در صورتیکه میدانم آقایان هم رأی نمیدهند اما عرض این است که این عرایض را بکنم و بقول بعضی عوام را فریب بدم.

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده تصور میکنم مقام ریاست که توجه دادند ماده ۳۶ را آقایان ملاحظه کنند نظرشان این بود که در حدود پیشنهاد توضیح بدهند نه اینکه در پشت تریبون منقصت مملکت را بیان کنید که مملکت فقیر است خیر مملکت ما کدا نیست آقا میگویند مملکت گرفتار فقر و مسکنت است نه آقا بگو پول داریم اما باید مطابق قاعده بدهیم دیگر اینکه تمام این مسائلی که فرمودید خودتان تصدیق کنید ابداً فلسفه پیشنهادتان نبود باید در اطراف پیشنهاد که داده می شود دلیل پیشنهاد گفته شود نه يك کلی را گفتن. این است که عقیده بنده همان است که کمیسیون بودجه پیشنهاد کرده و بنده مخالفم برای اینکه عرض کردم مراتب قضات را باید محترم بشماریم و بیش از این قضات خودمان را در مقام این کلمات وارد نکنیم.

نایب رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای فیروز آبادی آقایان موافقین قیام فرمایند  
( چند نفری قیام نمودند )

نایب رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای ملک ابرج میرزا  
( باین مضمون خوانده )

پیشنهاد میکنم رتبه یازده چهار صد تومان باشد

نایب رئیس - آقای ملک ابرج میرزا

ملک ابرج میرزا - آقای روحی فرمودند خیلی مختصر

بنده هم مختصر عرض میکنم عرض کنم که آقای وزیر عدلیه يك قدمی پیش گذاشتند که میخواهم عدلیه را اصلاح کنم همه همراهی و استقبال کردیم من جمله گفتند می خواهم عدلیه را منحل کنم همه استقبال کردند خواستند اشخاصی را که سابقه خدمت ندارند آنها را داخل کنند همه هم استقبال کردند بعقیده خودشان يك صورتی نوشتند و آوردند بکمیسیون بودجه کمیسیون بودجه هم آنچه توانست کسر کرد و آوردند اینجا در صورتیکه وزیر مالیه آمد گفت مجلس را هم من تهیه دیده ام بعد این پیشنهادها آمد آن همراهی اول یواش یواش از میان رفته حالا مطلب سر این است با اینکه شما يك عدلیه میخواهید که عدلیه باشد که امروز در دنیا بگوئید عدلیه ایران عدلیه شده با اینکه يك عدلیه مثل عدلیه سابق میخواهید اگر مثل سابق میخواهید که چرا اورا بهم زدید اگر میخواهید يك عدلیه خوب امروز باشد این عدلیه گران است. خرج دارد مردمان صحیح میخواهد مردمان تحصیل کرده و پاکدامن میخواهد. این مردم گرانند. مثل میزب خدمت آقای مدرس عرض میکنم این آقای ندین تحصیل کرده زحمت کشیده وجودش قیمت دارد اگر بگوئید بدون حقوق بیائید در عدلیه شاید قبول کنند اما وقتی بگویند که حقوق میگیرم والله اگر چهار صد تومان هم بهم بدهند میگویند نمیگیرم برای چه برای اینکه وجود خودش را رسانده باینجا پس اگر مردمان درست و صحیح میخواهید و میخواهید کار کنید باید پول داد من فقیرم میدانم مملکت کداست میدانم در عدلیه که باید عرض اندام کند در مقابل عدلیه دنیا باید این قبیل مردمان باشند برای وزیر عدلیه فرق نمیکند از کم شعباتش میگردد کم رمضانش میگذارد آنوقت میرود قاض صد تومان پیدا میکند قاضی صد تومان هم که بدرد نمیخورد دیگر با این عرایضی که کردم بیش از این هم داخل در این مذاکرات شدن جز اسباب زحمت فراهم کردن چیزی نیست خواهش



میکنم بالای همتان رودز رأی بدهید تمام شود رأی هم بگیرد. مسترد میدارم

نایب رئیس - توضیحی که دادید راجع به پیشنهاد نبود میخواهید رأی گرفته شود؟

ملک ارج میرزا - مسترد میدارم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای ضیاء

(مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد مینامم که میزان حقوق رتب بازده گانه مندرجه در ماده واحده پیشنهادی کمیسیون بودجه حد اکثر حقوق قضات تصویب شود

بعضی از نمایندگان - حاضر نیستند

(در اینموقع آقای ضیاء از خارج مجلس وارد شدند)

نایب رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - پیشنهاد بنده که قرائت شد مبنی بر يك ابهامی که ماده پیشنهادی کمیسیون دارد اگر آقای وزیر عدلیه و اعضاء محترم کمیسیون بودجه این ابهام را رفع کنند بنده هم پیشنهاد را مسترد میدارم و این ابهام عبارت است از اینکه این میزان را که معین کرده اند حد اقل است یا حد اقل یا حد اکثر اگر حد اکثر باشد درست مساوی است با نظر آقایان نمایندگان که رو به مرتبه يك تفضیلی قائل هستند اما اگر حد اکثر باشد بیشتر باید در او صحبت داشت چون در قانون استخدام مستخدمین قضات ذکر میکنند که میزان حد اقل مقرری هر رتبه در هر سال بموجب قانون بودجه معین میشود بعبارة آخری این ماده واحده پیشنهادی کمیسیون درست همان تصویب سال اول است که معین میکند مقرری قضات را در هر رتبه و ماهم تجربه داریم وقتیکه در سال يك حدی معین شد يك مبلغی تصویب شد دیگر کسرش از انصاف هم خارج است اگر فرضاً برای مستخدمین کشوری هم خواسته باشیم یا موجبات همچو اقتضا کند که پنجهزار هم کسر بکنیم میبینیم نسبت بزندگانی يك مردمان که

زندگانی خودشان را روی سی و دو تومان گذارده اند این يك بی انصافی است. در این دوره هم اگر تصویب شود میزان حد اقل مقرری هر رتبه برای قضات پنجاه تومان آن وقت برای سال های بعد یکسال دیگر کمیسیون بودجه هم موافق باشد مجلس هم موافق باشد در برابر يك بی اعتدالی واقع خواهیم شد و نسبت بخالواده های بیچاره که اساس زندگانی شان را مثلاً روی پنجاه تومان گذارده اند پس بنده کاملاً موافقم درست با نظر آقای وزیر عدلیه با کمیسیون بودجه کمیسیون بودجه هم درست دقت کرده است اما من قائلم که این میزان را که معین کرده است حد اکثر باشد نه حد اقل اگر حد اقل باشد بموجب ماده ۲۰ قانون استخدام حکام محاکم ما میتوانیم يك ششم در هر سال باینها علاوه بدهیم ...

یکی از نمایندگان - در هر رتبه

ضیاء - در هر رتبه باینها علاوه بدهیم. ماده بیستم این است: مفاد مواد ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و چند ماده دیگر. مفاد این مواد مطابق ماده بیستم قانون استخدام کشوری است. قانون استخدام کشوری برای هر رتبه يك ششم اضافه حقوق قائل شده است.

احتشامزاده - حتمی نیست.

ضیاء - حتمی است و میتوانند در هر وزارتخانه که مستخدمینی دارد و آنها هر سال خدمت کرده اند میزان يك ششم علاوه بر مقرری بگیرند و همینطور هم خواهند گرفت و مسلماً هر ساله مبلغ زیادی بر بودجه مملکتی تحمیل میشود پس بنده این طور پیشنهاد کردم این مبلغی که کمیسیون بودجه ذکر کرده است برای هر رتبه حداکثر باشد بعبارة آخری وقتیکه در نظر بگیریم مثلاً رتبه اول را چهل و دو تومان مطابق قانون استخدام مستخدمین کشوری و قضات يك ششم هم که علاوه شود همین پنجاه تومانی میشود که کمیسیون پیشنهاد کرده اگر قائل شویم برای رتبه دو پنجاه و دو تومان ده تومان هم موافق همان قانون که بعد از تصویب این ماده عمل

خواهید کرد اضافه میشود میشود شصت و پنج تومان بعبارة آخری پیشنهاد بنده عبارت است از علاوه کردن يك کلمه بر این ماده و آن عبارت است از این که در اول ماده واحده اضافه شود میزان حد اکثر حقوق مستخدمین در هر رتبه آنوقت موافق مواد قانون مستخدمین قضات و کشوری بالاخره همین پیشنهادی کمیسیون خواهد شد چهار صد و پنجاه تومان اما اگر چنانچه ما ذکر نکنیم و این ابهام برداشته نشود نتیجه این می شود که بر این چهار صد و پنجاه تومان که برای رتبه بازده پیشنهاد شده است هفتاد و پنج تومان هم علاوه خواهد شد میشود ۵۲۵ تومان و همچنین برای هر رتبه يك مبلغی از میزان پیشنهادی کمیسیون بیشتر خواهد شد این است که بنده قائلم یا وزیر یا مخبر کمیسیون اصلاً این ابهام را بردارند و بگویند این میزان حد اکثر است و بگویند این میزان حقوق است که داده میشود والا مادام که این ابهام در قانون هست ممکن است این طور عمل شود و بمنزله حد اقل تلقی کنند از این جهت بنده عقیده ام این است که جمله حد اکثر باید ذکر شود

نایب رئیس - آقای آقا - بید بعقوب

آقا سید بعقوب - بنده نمیدانم آقای داور چه بیانی خواهند فرمود اساساً بهتر این بود که وارد این قسمت نبودیم و همانطور که در جواب آقای احتشام زاده گفته شد خوب بود مسکوت بماند و خود بنده معتقدم این مبلغ که ذکر شده حد اکثر است حالا که مذاکره حد اقل و اکثر بمیان آمد بنده عقیده ام این است که صحبتی از این مطلب نشود تا در کمیسیون عدلیه مسئله محل کنیم و البته در کمیسیون که آقای رئیس خواهند شد قطعاً این مبلغ را حد اکثر تشخیص خواهد داد و از آقای وزیر عدلیه خواهش مندم که این پیشنهاد شما را قبول بکنند که این مبلغ حد اکثر باشد و آقایان هم همراهی کنند تا زودتر این

وزیر عدلیه - گاهی در اینجا يك اشتباهائی میشود يك وقت موضوع این است که این مستخدمینی که وارد خدمت میشود بجه حقوق باید وارد شود. و يك وقت مسئله این است که اگر کسی چند سال متوالی در يك رتبه باقی ماند آیا باید يك اضافه باو داده شود یا نه؟ چنانچه قانون استخدام هم این اصل را قبول کرده و قائل شده که اگر يك مستخدمی چند سال در يك رتبه ماند و جای خالی برای ترفیع او نبود يك سدس ممکن است باو اضافه داده شود. حالا ممکن است این ترتیب بد باشد در حال بنده نمیگویم این خوب اصلی است ولی در حال این هست حالا اگر مضر است باید در موقعش اصلاح شود در حال بهتر این است که امروز در این موضوع صحبت نکنیم و بگذاریم برای بعد و بنده مناسب میدانم که آقای پیشنهادشان را مسترد نفرمایند.

نایب رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای ضیاء آقایان موافقین قیام فرمایند (معدودی قیام کردند)

نایب رئیس - تصویب نشد پیشنهاد آقای زعیم (بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم اشل حقوق قضائی مطابق تشخیص کمیسیون بودجه پنجاه تومان و تارتبه چهار صد و بیست و پنج و از رتبه پنج ناهفت صد بیست و از رتبه هشت ناده صد پانزده رتبه مادون مقرر گردد در مورد رئیس و مدعی العموم دیوان عالی تمیز سابقه خدمت قضائی منظور نگردد و حقوق این دو شغل سیصد تومان خواهد بود

نایب رئیس - آقای زعیم

زعیم - اگر چه وقت خیلی گذشته است از ظهر هم خیلی رفته. فرانسوها يك مثلی دارند که میگویند شکم گرسنه گوش شنوا ندارد. ولی بنده ناچارم برای این پیشنهاد خودم توضیحاتی عرض کنم و امیدوارم



آقایان بان التفات بفرمایند. در جلسه قبل که آقای مدرس آن پیشنهاد را کردند خود آقای داور هم در ضمن بیانات مفصلی که ذکر فرمودند ضمناً تصدیق کردند که در مورد تشکیل بودجه های مملکتی باید قدرت و توانائی مملکت را کاملاً مد نظر قرار داد و امروز هم باز این قضیه را تکرار کردند و در ضمن بیاناتشان نه تصریحاً ولی ضمناً می فرمودند که خرج زیاد امروزه برای این مملکت مضر است و خلاصه آنکه تمام اظهارات را تصدیق کردند جز اینکه يك امائی فرمودند. همان امائی که در اینجا خودشان باو لعنت میکردند و دشنام میدادند اما معتقدند که این نکته اساسی در مورد بودجه عدلیه مرعی و مراعات نگردد و از جای دیگر شروع شود. مثلی است که مردم این طور همیشه قضاوت میکنند که مرك حق است ولی برای همسایه. اما چه ما میگوئیم و مقصودمان از این پیشنهاد های مکرر چیست؟ ما میگوئیم بیکاری سراسر این مملکت را فرا گرفته و بد بختانه در این ادوار اخیر ما يك کاری که مولد زوت باشد برای مردم تهیه نکرده ایم. و اگر چندی باین منوال بگذرد و بهمین سیره و حال باقی بمانیم قطعاً و یقیناً وزارت مالیه موفق بوصول این عایدات مختصر هم نخواهد شد. علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد. ما باید تشکیلات ادارات و بودجه های خودمان را طوری تهیه و تنظیم کنیم که گرفتار آکسیون این وضعیات نشویم. در جلسه قبل آقای وزیر مالیه يك تذکری دادند و گفتند اگر يك عدم رضایت هائی در کار است نباید در مورد بودجه ها دخالت داد بنده کاملاً می توانم قسم بخورم که بیرون این نظر هستم حتی بطور افراطی هم هستم زیرا ما که اینجا نشسته ایم بنام نمایندگی دارای دو جنبه هستیم. یکی خصوصی و شخصی و یکی هم جنبه سیاسی و مملکتی. از نقطه نظر جنبه خصوصی بنده با آقای وزیر هیچگونه مغایرتی نداشتم و کاملاً هم خصوصیت داشته ام.

را منحل کردند و در آنوقت از مجلس میرفت يك حق که نظارت در خرج باشد فوت شود. ما ناچار در آن موقع بقول امروز او پورتویست شدیم یعنی از اصل و پرنسپ خود مان تخفیف دادیم و قائل بر تخفیف و کمات شدیم برای اینکه يك اصل مهم نری که عبارت از نظر مجلس در مخارج باشد از بین رفته باشد و در عهد ما يك یادکاری به غلط گذارده نشده باشد. این بود که در آن زمان ما معتقد شدیم که حداقل رتبه عدلیه پنجاه تومان باشد ولی امروز که بودجه های مملکتی جلو آمده بنده کاملاً معتقدم باینست که يك فلسفه و دلائلی اقامه کرد که مبتنی بر جمیع جهات باشد. اساس اصل عدلیه را بنده هم موافقم همان طوری که کمیسیون عدلیه هم معین کرده باشد و همان پنجاه تومانیکه که در نظر گرفته اند خوب است و بنده هم موافقم ولی از آن بیالازر یعنی از رتبه اول که پنجاه تومان باشد رتبه چهار را معتقدم که صد بیست و پنج علاوه شود و این تطبیق میکند تقریباً با همان صورتی که از کمیسیون بودجه بیرون آمده است. از رتبه پنج رتبه هفت را معتقدم که صد بیست علاوه شود و این قسمت هم غیر از رتبه هفت که يك قدری کمتر میشود مابقی تقریباً با صورت کمیسیون بودجه تطبیق می شود مثلاً اینجا رتبه پنج را صد بیست تومان گرفته اند و رتبه شش را صد و پنجاه تومان مطابق حساب بنده هم تقریباً همینطور میشود و رتبه هفت يك چیزی کمتر میشود و از رتبه هفت تا ده (با اینکه من بیشتر از ده رتبه قضائی قائل نیستم) معتقدم که صد پانزده علاوه شود. در این قسمت يك قدری کمتر از آنچه که کمیسیون بودجه معین کرده بود میشود ولی حالا ما چرا این نظر را داریم برای این است که مخارج در مملکت ما بالاخره يك حدودی دارد که همه میدانیم. البته يك نفر قضی درجه اول را که پنجاه تومان باو میدهیم این مبلغ را وقتی تطبیق کنیم با گران مخارج و وضعیات امروزه می بینیم حقیقتاً کمتر از این مبلغ نمیتوان داد ولی رتبه



نایب رئیس - آقای حاج میرزا مرئضی خوب است توجه کنید  
 وزیر عدلیه - بنده يك چیز تازه نمی توانم در مقابل فرمایش نماینده محترم عرض کنم برای اینکه ایشان هم يك چیز تازه فرمودند مذاکرانی که کردند راجع بیک موضوعی بود که سایر آقایان هم همان را فرمودند و آن این بود که اظهار شد ما باید کم پول بدهیم و با پول زیاد هم نمیشود از کار بد جلو گیری کرد. این ها مطالبی بود که گفته شده

زعیم - یکی هم نسبت وزیر عدلیه - بلی. یکی هم تناسب که بنده جوابش را عرض کردم. الان آقای مدرس میفرمودند که باید يك نسبتی در کار باشد و حالا بقراری که توافق نظرین آقایان حاصل شده مبنی بر اینکه صد بیست و پنج اضافه شود این ترتیب چون با آن چیزی که بنده کرده ام چندان فرقی ندارد برای اینکه اوقات آقایان هم تلخ شود و از ظهر هم مقداری گذشته عصبانیت هستید و برای اینکه زود تر مسئله تمام شوند بنده همین ترتیب را قبول میکنم و بنده حالا نمیخواهم آن کله را که یکی از آقایان نمایندگان فرمودند که «دیگر بسته به همت خودتان است» تکرار کنم.

نایب رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای زعیم. آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.  
 (معدودی قیام کردند)

نایب رئیس - تصویب نشد. شش نفر از آقایان تقریباً يك پیشنهاد متحدی کرده اند در سه پیشنهاد یعنی سه تا در یکی. پیشنهاد آقای عدل قرائت میشود.

(شرح ذیل خوانده شد)  
 بنده پیشنهاد میکنم ماده واحده به ترتیب ذیل اصلاح شود:

حد اقل حقوق قضاة و صاحبمنصبان پارک و مدیران

دفتر که دارای رتبه قضائی هستند به ترتیب ذیل مقرر است:

رتبه اول پنجاه تومان رتبه بازده از قراری صدی بیست پنج از رتبه مادون رقی داده شود، (عدل) وزیر عدلیه - اجازه میفرمایند عرض کنم خوب است اقا موافقت بفرمایند این طور نوشته شود:

حقوق رتبه ها بترتیب ذیل مقرر شود:  
 حاج آقا رضا رفیع - قبول کردند

نایب رئیس - در اینصورت محتاج بقرائت پیشنهاد های دیگر نیست زیرا همه تقریباً همین مضمون است پیشنهاد آقای مهدوی.

(شرح آن خوانده شد)  
 بنده پیشنهاد میکنم اول رتبه پنجاه تومان و بهررتبه صد بیست و پنج اضافه شود.

وزیر عدلیه - این خوب است. دیگر حد اقل لازم ندارد.

نایب رئیس - پیشنهاد آقای فهیمی (باین مضمون خوانده شد)

پیشنهاد میکنم صدی بیست و پنج رتبه مادون به ترتیب ذیل قائل و تصویب شود.

- ۱ - پنجاه ۲ - شصت و دو ۳ - هفتاد و هفت
- ۴ - نود و شش ۵ - صد و بیست ۶ - صد و پنجاه
- ۷ - صد و هشتاد و هفت ۸ - دویست و سی و سه
- ۹ - دویست و نود و يك ۱۰ - سیصد و شصت و سه
- ۱۱ - چهار صد و پنجاه

نایب رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی.  
 (باین کیفیت خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که حقوق قضات بهر درجه مافوق صدی بیست و پنج از حقوق مادون اضافه داده شود

نایب رئیس - آقای عدل

عدل - عرض میشود بنده باین اشلی که کمیسیون بودجه آورده اصولاً موافقم. یعنی تصور میکنم اگر آقایان بقانون استخدام کشوری مراجعه بفرمایند ملاحظه خواهند فرمود که در اینجا اینقدر ها اضافه داده نشده است و تقریباً بهمان اندازه که بکنفر قاضی باید اضافه از دیگران داشته باشد منظور شده و تناسب این قاضی و سایر مستخدمین کشوری رعایت شده ولی چون حضرت آقای مدرس يك اصلی را بیان فرمودند که صحیح بود. و در هر حال دولت و مجلس يك اصلی را باید قائل شوند. و يك قانونی در نظر بگیرند که ثابت باشد. و اگر يك موقعی مجلس خواست بودجه ها را باین و بالا ببرد مجبور نشود تمام رتبه ها را تغییر بدهد از این نظر رتبه هائی که بالا میرود باید از روی يك اساس و قانونی بالا برود. چنانچه در قانون استخدام کشوری هم هست و يك مأخذی را گرفته بودند حالا هم اگر مأخذ را همان صد بیست میگیریم يك قدری باین میامد و کم میشد یعنی باین اندازه که قاضی باید اضافه از دیگران حقوق داشته باشد باو نمی رسد. از این جهت مأخذ واصل را صدی بیست و پنج قرار دادیم و بالا بردیم و این طور تقریباً تطبیق میکنند با همان لایحه که کمیسیون بودجه به مجلس آورده منتهی با يك مختصر فرق و تفاوتی. مثلاً آنجا نوشته اند درجه يك پنجاه تومان و رتبه دو شصت و پنج تومان الی آخر رتبه سه در آن قانون هشتاد تومان است ولی بموجب این ترتیبی که مأخذ گرفته ایم هشتاد و هشت تومان میشود رتبه چهار در آنجا صد تومان است و در این جا نود و هفت تومان و شش قران. رتبه پنج در آنجا صد و بیست و پنج تومان است. در اینجا صد و بیست و دو تومان میشود. رتبه شش در آنجا صد و پنجاه تومان است و بموجب این حساب صد و چهل و سه تومان میشود. بعضی از نمایندگان - صد و پنجاه تومان میشود عدل - خوب هرچه بشود بعد درست میکنم. کم

و کسرش را بعد اصلاح میکنم مقصود این است که از روی يك قاعده باشد و بهرکس هرچه داده میشود از روی همین ترتیب صدی بیست و پنج باید باشد و همین مأخذ را باید حساب کرد و بالا برد و داد. این ارقامی که بنده خواندم من باب اطلاع آقایان بود. رتبه هشت را دویست و چهل تومان نوشته اند در این جا دویست و چهل و سه تومان میشود. رتبه نه دویست و نود تومان است اینجا دویست و هشتاد تومان میشود. رتبه ده پنجاه تومان نوشته اند در این جا چهار صد و پنجاه و سه تومان میشود. و آن مطلب عشور که گفتند (بعضی - کسور نه عشور) بلی. کسور در این جا محتاج بذکر آن نیست و مطالب واضح است زیرا در قانون استخدام کشوری هم يك ماده هست حاکی بر اینکه کسور به منفعت دولت ضبط میشود و دیگر لازم نیست در اینجا تکرار کنیم. و بنده تصور میکنم با این ترتیب تمام اشکالات آقایان رفع خواهد شد. مخبر - اکثریت کمیسیون با این پیشنهاد موافق است.

مدرس - با کسر کسور به منفعت دولت. مخبر - آن يك قانون علیحدہ دار بنده با این پیشنهاد موافقم با آن اصلاح عبارتی که در اینجا آقای وزیر عدلیه پیشنهاد کردند.

وزیر عدلیه - اجازه بفرمائید؟ عبارت ماده باید باین ترتیبی که عرض میکنم نوشته شود: حقوق رتبه های قضائی بترتیب ذیل مقرر خواهد شد. در باب کسور هم که بعضی از آقایان اشاره فرمودند همینقدر عرض میکنم که اگر پیشنهادی بشود بنده حاضر قبول کنم زعیم - مقصود کسور تومان است.

وزیر عدلیه - بلی. میدانم (کسور تا يك تومان بمنفعت دولت ضبط خواهد شد) پیشنهاد هم اگر بشود قبول میکنم

کازرونی - بنده این را پیشنهاد کرده ام.



وزیر عدلیه - بنده موافقم .

نایب رئیس - این پیشنهاد را که دولت قبول کردند چند فقره پیشنهاد دیگر هست که هر کدام مختصر تغییری در عبارت دارد . مثلاً پیشنهاد آقای فهیمی و دیگران تفصیل داده اند ارقام را . در پیشنهاد آقای مهدوی جمله مادون ذکر نشده است . در پیشنهاد آقای کازرونی اضافه شده است : کسور به منفعت دولت ضبط میشود . لهذا هر کدام از این پیشنهادات جدا جدا رأی دارد . راجع به مسئله کسور بمنفعت دولت ضبط خواهد شد پیشنهادی آقای کازرونی را دولت قبول فرمودند .

مخبر - کمیسیونهم قبول میکند .

نایب رئیس - پیشنهاد آقای فهیمی

( بشرح ذیل خوانده شد )

بنده پیشنهاد میکنم ماده واحده بطریق ذیل نوشته شود ماده واحده : حقوق مراتب قضاة و صاحبمنصبان پارک و مدیران دفاتر محاکم که دارای رتبه قضائی هستند بترتیب ذیل مقرر است حقوق رتبه اول از پائین پنجاه تومان و رتبه های بالاتر مساوی خواهد بود با حقوق رتبه مادون بمالوه ربع بلاکسر آن

نایب رئیس - این تقریباً همان پیشنهادی است که

قبول نشد . پیشنهاد آقای فرشی

( باین سهج قرائت شد )

این بنده اصلاح اشل عدلیه را به ترتیب ذیل پیشنهاد میدنم . رتبه يك الي چهار بترتیبی که کمیسیون بودجه تصویب کرده از رتبه پنج الي هفت از قرار صدی بیست بطور تساعدی علاوه و از رتبه هشت الي رتبه ده از قرار صدی بیست و پنج رتبه یازده . چهار صد تومان به ترتیب ذیل : رتبه يك پنجاه رتبه دو شصت و پنج . رتبه ۳ هشتاد . رتبه ۴ صد . رتبه ۵ صد و بیست . شش صد و چهل و چهار . هفت صد و هفتاد . هشت صد و سی و سه نه دو بیست و پنجاه و چهار . ده سیصد و شانزده . یازده چهارصد

نایب رئیس - آقای فرشی

حاج میرزا آقا فرشی - چون این پیشنهادی را که آقایان داده اند اصولاً نزدیک به پیشنهاد بنده است از این جهت بنده پیشنهاد خودم را پس میگیرم و موافقم با پیشنهاد آقای عدل

نایب رئیس - پیشنهاد آقای ضیاء

( باین مضمون خوانده شد )

حقوق پیشنهاد مینماید که ماده واحده پیشنهاد کمیسیون بترتیب ذیل اصلاح شود .

ماده واحده - حد اقل حقوق قضات و صاحبمنصبان پارک و مدیران دفاتر که دارای رتبه قضائی هستند بترتیب ذیل مقرر است

رتبه يك چهل و دو تومان - دو پنجاه و پنج تومان سه شصت و هفت تومان . چهار هشتاد و چهار تومان پنج صد و پنج تومان - شش صد و بیست و پنج تومان هفت صد و پنجاه نه تومان . هشت دو بیست تومان - نه دو بیست و چهار و دو تومان - ده دو بیست و نود و دو تومان - یازده سیصد و هفتاد تومان - و بقیه مطابق ماده واحده پیشنهادی کمیسیون خواهد بود ضیاء

نایب رئیس - آقای ضیاء

آقا سید ابراهیم ضیاء - این پیشنهاد را قبل از پیشنهاد آقایان تقدیم کرده بودم ولي موافق حسابی که رفقای بنده کرده اند این پیشنهاد آقایان تصور میکنم بیشتر از ارقام پیشنهادی کمیسیون خواهد شد . بعقیده بنده اگر آقایان درست توجه بفرمایند مخصوصاً در این موضوع که فردا صورت قانونیت پیدا خواهد کرد خیلی بهتر است اگر آقایان نمایندگان فهمیده تر و دانسته تر رای بدهند خیلی بهتر است از این جهت اگر آقایان موافقت بفرمایند بنده پیشنهاد میکنم جلسه ختم شود و در جلسه آتی این مسئله مطرح شود تا از روی بصیرت و مطالعه کامل رای داده شود

نمیشود بدون حساب رأی قطعی داد . از این جهت بنده پیشنهاد کردم که حالا جلسه ختم شود با امروز عصر یا روز سه شنبه جلسه بشود و نا آنوقت آقایان هم مطالعات دقیق خودشان را بفرمایند و فهمیده و دانسته رأی بدهند .

نایب رئیس - آقای زوار

زوار - عرضی ندارم .

نایب رئیس - آقای اعتبار

میرزا سید احمد خان اعتبار - عرض بنده این است که در خصوص حساب این ارقام میخواستم به آقای ضیاء عرض کنم .

بعضی از نمایندگان - راجع بختم جلسه است اعتبار - بنده تصور میکنم نگران آقای ضیاء در حساب این ارقام موجبی ندارد زیرا اساساً در رتبه ها کم میشود فقط در دو رتبه که یکی رتبه ده است که سیزده تومان علاوه میشود و دیگر رتبه یازده است که سه تومان اضافه میشود ولي بقیه تقریباً بهمان نسبت است و هیچ فرقی ندارد و روی همرفته این حساب به نفع مملکت است

نایب رئیس - رأی گرفته میشود بختم جلسه آقایان که موافقت قیام فرمایند .

( چند نفری قیام کردند )

نایب رئیس - تصویب نشد . رأی گرفته میشود به

پیشنهاد آقای ضیاء . آقایان موافقت قیام فرمایند .

( معدودی برخاستند )

نایب رئیس - قابل توجه نشد .

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

( باین مضمون خوانده شد )

تبصره ذیلرا پیشنهاد میکنم .

تبصره - حقوق اشخاصی که دارای رتبه قضائی هستند از اول تشکیلات جدید مطابق همین ماده واحده

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم که در همه چیز می شود بحث کرد جز اینکه دو دو تا چهارتا میشود در این پیشنهادی که شده خوب است آقایان ملاحظه بفرمایند به عقیده بنده تفاوت فاحشی ندارد در بعضی از اقلام چند تومان کسر میشود و در بعضی دیگر مختصری زیاد میشود در هر حال آنطور بکه تصور فرموده اید نیست و رو همرفته بمنفع دولت است جز اینکه در دو مرتبه آخر بکقدری کویا یازده تومان زیاد میشود ولي از سایر رتبه ها کم میشود . بنده استدعا میکنم آقایان همین ترتیب را در نظر بگیرند و بنده مخصوصاً این را به آقایان وکلای ولایات عرض میکنم که شما همی آئید و بمن فشار میآورید و میفرمائید که از ولایات بنا نوشته اند که حقوق قضاة رسیده و شما آقایان که میفرمائید شکایت دارید چرا حقوق ولایات تا کنون رسیده عرض میکنم که اگر این کار را ننگذرانید بودجه حقوق ولایات داده نخواهد شد و بنا بر این مسئولیتش بعهد شما خواهد بود .

نایب رئیس - آقای ضیاء پیشنهاد ختم جلسه کرده اند

زوار - بنده مخالفم .

نایب رئیس - آقای ضیاء

آقا سید ابراهیم ضیاء - آقای وزیر عدلیه و سایر رفقای پارلمان من میدانند که من نظر در جریان گذشته هیچ رفت نداشته و ندارم ایشان و هر کسی که کوچک ترین نظری از من نسبت بجریمان عدلیه دارد اظهار بدارد آنوقت هر نسبتی که میخواهد به من بدهد .

اما يك موضوعی که پای حساب در کار است ، يك رأی که مربوط بامور مالی است و الان در بین خود آقایان اختلاف نظر است باین طور که بعضی میفرمایند زیاد میشود و بعضی دیگر میگویند کم میشود و درست مطلب معلوم نیست . چنانچه آقای وزیر عدلیه میفرمایند در بعضی جا ها یازده تومان زیاد میشود و از سایر رتبه ها چهار پنج تومان کم میشود در يك همچو مسئله که اختلاف نظر پیش آمده تصدیق خواهید فرمود که



محسوب خواهد شد.

نایب رئیس -- آقای آقاسید بمقوب

آقاسید بمقوب بنده میخواهم در این موضوع زیاد حرف بزنم و این يك مسئله است که هم روح مجلس با آن موافق است و هم شخص آقای وزیر با آن موافقتند. مقصود هم این است که هم يك قدمی برای اصلاح برداشته باشیم و هم يك صرفه جوئی هم شده باشد. والبته این چیزی است که همه موافقتند مخبر -- بنده قبول میکنم.

نایب رئیس -- پیشنهاد آقای حاج میرزا مرتضی.

(باین ترتیب خوانده شد)

پیشنهاد میکنم از رتبه اول خمس بالا برود تا رتبه بازده.

نایب رئیس -- آقای حاج میرزا مرتضی

حاج میرزا مرتضی -- چون آقای عدل فرمودند که بعضی از نمایندگان -- این پیشنهاد رد شده. همان پیشنهاد آقای مدرس بود که رد شد. دیگر موضوعی ندار نایب رئیس -- صحیح است. این پیشنهاد رد شده در واقع همان پیشنهادی است. که رد شد تنها بصورت دیگری در آمده.

حاج میرزا مرتضی -- خیر رد نشده اجازه میفرمایند

نایب رئیس -- بچه دلیل میفرمایید رد نشده ؟

حاج میرزا مرتضی -- بدلیل اینکه بنده خمس پیشنهاد کرده ام

نایب رئیس -- خمس همان صد بیست است که آقای

مدرس پیشنهاد کردند و رد شد. حالا همان ماده که مخبر کمیسیون قبول کردند با اصلاحاتی که شده قرائت میشود. فعلاً پیشنهاد آقای فیروز آبادی قرائت میشود (بطریق ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که از رتبه اول شش يك اضافه

شود تا رتبه بازده. فیروز آبادی

نایب رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی -- اولاً شش يك نیست و صد شش است ثانیاً عرض میکنم این صد و بیست و پنجی که آقایان پیشنهاد کرده اند و در بعضی از اقلامش اصولاً از آنچه که خود کمیسیون هم پیشنهاد کرده زیاد تر میشود در صورتیکه بنده بارها عرض کرده ام این مخارج مناسب با حال و وضعیت مملکت ما نیست و باید يك قدری این مخارج را تقلیل داد....

نایب رئیس -- آقا این توضیح که میفرمایید راجع بکلید است. مختصر بفرمایید.

فیروز آبادی -- بنده در این مسئله نظر دارم و حق دارم عرض خود را مکرر اظهار کنم غرض از عرض بنده این است که این صدی بیست و پنج خیلی زیاد میشود و يك تبعیض در بین رتبه ها ایجاد میکند حالا که این طریق است بهتر این است که يك شش يك بهر رتبه افزوده شود تا آخر باین ترتیب که رتبه دوم همان رتبه اول باشد با اضافه يك شش يك رتبه سوم هم يك شش يك از رتبه دوم زیاد تر همین ترتیب بالا برود و این ترتیب برای مردم هم مناسب تر است و يك طوری است که خیلی خارج از وضعیات حال این مردم هم نیست. باین ملاحظه بنده این پیشنهاد را کردم و امیدوارم آقایان قبول بفرمایند بعضی از نمایندگان -- رای

نایب رئیس -- رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای

فیروز آبادی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (معدودی برخاستند)

نایب رئیس -- رد شد پیشنهاد آقای بدر

(بعبارت ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که بلا بجه کمیسیون بودجه بدون تغییر رأی گرفته شود.

نایب رئیس -- آقای بدر

بدر -- این اصلاحی که در باب حساب شده بنده مبینم اختلاف نظر در بین آقایان تولید شده وقت و فرصت هم آنطوری که لازم است ندارند برای اینکه بتوانند درست حساب کنند و با همه حال معلوم هم نیست که از لایحه کمیسیون کمتر شود بلکه ظن قوی این است که زیاد تر خواهد شد باین ملاحظه شده پیشنهاد کردم که باین لایحه کمیسیون رأی گرفته شود.

نایب رئیس -- آقای حاج آقارضا رفیع

حاج آقارضا رفیع -- يك لایحه از کمیسیون بودجه به مجلس آمد چند روز است که در اینجا مطرح است و جزو دستور است. اگر آقایان موافق بودند چرا این مذاکرات و مخالفت ها را کردند و چرا خود آقای بدر تا کنون مخالف بودند و آن پیشنهاد را تقدیم کردند. بالاخره پس از مذاکرات زیاد يك توافق نظری بین آقایان و کمیسیون و دولت حاصل شده به عقیده بنده بهتر این است که همین پیشنهاد رأی بگیرد و کار را تمام کنید نایب رئیس -- رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای بدر. آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(دوسه نفر قیام کردند)

نایب رئیس -- تصویب نشد. پیشنهاد آقای حاج

میرزا مرتضی.

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم از رتبه اول صدی بیست و يك اضافه شود.

نایب رئیس -- این درست نیست. معذک بفرمایند

حاج میرزا مرتضی -- چون آن پیشنهاد سابق بنده با پیشنهاد آقای مدرس یکی بود و رد شده بود از این جهت بنده پیشنهاد مرا عوض کردم و بجای خمس صدی بیست و يك نوشتم که اضافه شود. زیرا آن پیشنهادی که آقای عدل کردند زیاد تر از آنچه که کمیسیون معین کرده میشود....

بعضی از نمایندگان -- خیر. زیاد تر نمیشود.

حاج میرزا مرتضی -- بنده عرض میکنم زیاد تر نمیشود. شما میفرمایید نمیشود پس خوب است تنفس بدهید و در بیرون برویم و حساب کنیم. رسیدگی کنیم به بینیم آیا واقعاً زیاد میشود یا نمیشود تا پس از مطالعه از روی دقت و فهمیده رأی بدهیم. پس خوب است مهلت بدهید نه اینکه هر کس يك چیزی بگوید و هی مقصد گفته شود رأی رأی. آخر بگذارید همه حرف خودشان را بزنند. نه اینکه طوری بشود که کورکورانه هر چه آوردند ما رأی بدهیم. اینکه وضعیت مجلس نیست خوبست صبر کنید تا ما حساب کنیم اگر دیدیم کمتر شد ما هم که با شما موافقت خواهیم کرد. اگر کمتر نشد که فکر دیگری بکنیم بگذارید ما هم حرف خودمان را بزنیم. و این ترتیب خودش هم برای دولت کمتر است و هم برای مردم آقایان که در وزارت عدلیه برده اند از دیگران که عزیز تر نیستند. برای چه يك دفعه حقوقشان باید چهار صد و پانصد بشود آخر باید دید این پولها از کی گرفته میشود و بکجا باید داده شود ؟ بنده يك اشخاصی را سراغ دارم که در وزارت مالیه ماهی ده تومان بازده تومان میگرفته اند و این اشخاص را برده اند در وزارت عدلیه و يك مرتبه ماهی هشتاد تومان آورد تومان برای آنها حقوق معین کرده اند حقیقتاً این طور خوب نیست که ما هی بیائیم و در اینجا این حقوقات گرفتار را برای اشخاص تصویب کنیم و در واقع مال مردم را بيك عده بیخشیم

مخبر -- کمیسیون این پیشنهاد را قبول نمیکند

نایب رئیس -- برای اینکه باین پیشنهاد رأی گرفته شود باید مقصودتان را صریحاً معین کنید صد و بیست و يك که نوشته اید معنی ندارد. در هر حال رأی گرفته میشود. آقایانیکه پیشنهاد آقای حاج میرزا مرتضی را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(دوسه نفر قیام کردند)



نایب رئیس -- قابل توجه نشد . آقای فیروز آبادی در باره ختم جلسه را پیشنهاد کرده اند (فرمائید) فیروز آبادی -- اولاً چون وقت خیلی گذشته و بعضی ها از حال طبیعی بیرون هستند و ملتفت کم و زیاد این چیزها نمیشوند مجال و حال حساب کردن را ندارند حق هم دارند (گرچه خوب است يك قدری زیاد تر در این جا تشریف داشته باشند و بمانند تا از حال گرسنه ها به تراطالاع پیدا کنند) . از اینجهت بنده پیشنهاد کردم جلسه ختم شود و امروز عصر یا پس فردا تشکیل شود و باین کارخانه داده شود

نایب رئیس -- آقای شریعت زاده شریعت زاده -- عقیده بنده این است که آقایان نمایندگان از حالت طبیعی خارج نیستند بلکه برخلاف و در کمال سلامت عقل مشغول مطالعه و دادن رأی هستند و در این موضوع هم چند جلسه است که مجلس دارد مباحثه میکنند و دیگر حسابی لازم ندارد .

نایب رئیس -- رأی گرفته میشوند بختم جلسه . آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (معدودی قیام کردند)

نایب رئیس -- تصویب نشد . پیشنهادی است که مخبر کبیسون و دولت قبول کرده اند وزیر عدلیه -- آقا بخوانید . (باین کیفیت خوانده شد)

حقوق رتبه های قضائی به ترتیب ذیل است . رتبه اول پنجاه تومان -- رتبه های بعد تا یازده حقوق رتبه مادون باضافه ربع و کسور هم به نفع دولت ضبط می شود .

نایب رئیس -- رای گرفته میشود باین پیشنهاد که دولت هم قبول کرده . آقایانیکه موافقند قیام فرمایند (جمع کثیری قیام کردند)

نایب رئیس -- اکثریت است . تبصره آقای بامداد خوانده میشود .

آقا سید یعقوب -- به تبصره من رای بگیری نایب رئیس -- این جا سه تبصره است آقا سید یعقوب -- يك تبصره بنده پیشنهاد کرده ام و آقای مخبر کبیسون هم قبول کرده خوب است قبل از این ماده بآن رای بگیری .

نایب رئیس -- پیشنهاد کتباً باید باشد مخبر -- مقصود این بود که از اول تشکیلات محاسبات عدلیه جدید مطابق این اشل حقوق پرداخته شود . آقا سید یعقوب -- بنده پیشنهادم را کتباً تقدیم کرده ام و آقای مخبر هم قبول کرده اند .

نایب رئیس در خود لایحه کبیسون تبصره ثانی است که اول باید بآنها رای گرفت . قرائت میشود (شرح ذیل خوانده شد)

تبصره يك -- حقوق رتبه ده منحصرأ بسه نفر رؤسای شعب تمیز و معاون اول مدعی العمومی تمیز داده خواهد شد وزارت عدلیه نمی تواند در هیچ موقعی بیش از چهار نفر مستخدم رتبه ده دارا باشد .

نایب رئیس -- رأی گرفته میشود به تبصره اول آقایانیکه موافقند قیام فرمایند جمعی برخاستند

نایب رئیس -- تصویب شد . تبصره دوم . (این طور خوانده شد)

تبصره ۲ حقوق رتبه یازده منحصرأ به رئیس دیوان عالی تمیز و مدعی العموم دیوان عالی تمیز داده خواهد شد و وزارت عدلیه در هیچ موقعی بیش از ده نفر رتبه یازده نخواهد داشت

نایب رئیس -- رأی گرفته میشود آقایانیکه موافقند قیام فرمایند این تبصره موافقند قیام فرمایند .

(عده زیادی قیام کردند)

نایب رئیس -- تصویب شد تبصره پیشنهادی آقای آقا سید یعقوب قرائت میشود

(بمضمون ذیل خوانده شد)

آقا سید یعقوب -- مخبر قبول کردند .

نایب رئیس -- آقای اعتبار

میرزا سید احمد خان اعتبار -- عرضی ندارم .

نایب رئیس -- رأی گرفته میشود باین تبصره . آقایانیکه موافقند قیام فرمایند .

(جمعی قیام کردند)

نایب رئیس -- تصویب شد این تبصره سوم میشود تبصره پیشنهادی آقای بامداد .

(باین نهج خوانده شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم قضائی که تا کنون اضافه بر این اشل مصوبه حقوق دریافت داشته اند تمام آن اضافات از بابت حقوق آینده ایشان محسوب خواهد شد یکی از نمایندگان -- استرداد کردند

نایب رئیس -- (خطاب به آقای بامداد) پس گرفتید بامداد -- بلی

آقا سید یعقوب -- چون نظرشان تأمین شده بود از آن جهت استرداد کردند .

نایب رئیس -- پیشنهاد دیگر آقای بامداد است که بدانم باین ماده باید اضافه کرد یا بطور ماده الحاقیه باید نوشته شود . در هر صورت قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم

تبصره -- وزارت عدلیه مکلف است نسبت به قضاة نیز اصولی برای امتحان قائل شود

نایب رئیس -- آقای بامداد

بامداد -- بنده خیلی میل داشتم که این تبصره ها

بماند برای جلسه دیگر چون مجلس قدری خسته شده ولی بنده برخلاف يك اشخاصی که يك حمله هائی به آقای وزیر عدلیه میکنند میخواهم اصراف بدهم که ایشان در حد خودشان با وسائل موجوده حقیقتاً يك زحمان کشیده اند و باید از هرجهت در مقابل این زحمات يك کمک هائی هم بایشان کرد . برای اینکه قوه قضائیه زیاد معطل نماند این کار باید زودتر بگذرد ایشان آمدند و يك اشخاصی را دعوت کردند برای قضاوت نظر ایشان از این دعوت قطعاً خیرالمنظورین بود اما حالا معلوم نیست که این خیرالمنظورین خیرالموجودین هم باشد اینها ناچار از آشنایان خودشان بوده اند و با اشخاصی بعد شنیده اند که این ها خوبند . و قابل مقام قضاوتند . البته شکی نیست که مسئله قضاوت هم خیلی مهم است چنانچه در شرع مطهر هم راجع باین موضوع تعریضی است . میفرماید لاجلس فی هذه المجلس الا نبی او وصی و يك او دیگر . در دنیا هم همینطور است مدرس -- آن مال جای دیگر است .

بامداد -- دنیا هم خیلی باین مقام اهمیت میدهند بنده عرض میکنم هر يك از وزارتخانه ها با معدودی از اشخاص طرف هستند در صورتیکه عدلیه با تمام افراد مملکت طرف است و همه با او سر کار دارند . زیرا هر کسی که دارای این سه چیز شد : مال جان ناموس مجبور است با عدلیه سر کار داشته باشد و اختلافاتش بتوسط قضاة رفع شود از این جهت بنده معتقدم همانطور که در عدلیه نسبت باعضاء اداری امتحان قائل شده اند و ایشان را تحت امتحان در آورده اند و البته در نتیجه امتحان معلوم میشود که چه اشخاصی در خور مقام و لایق کار هستند و چه کسانی نیستند . نسبت بقضاة هم بنده خواهش میکنم مجلس امتحانی تشکیل بدهند و مطابق این تبصره از آنها امتحان کنند تا معلوم شود چه اشخاصی در خور این مرتبه و مقام مهم هستند اگر الشاء الله آنها از امتحان خوب بیرون آمدند که نعم المطلوب و اگر هم خوب بیرون



نیامدند بهتر این است که دیگری را جای او بگمارند. مخصوصاً با این مسئله مهمی که ما در جلو داریم که عبارت از الغاء کاپی نولاسیون و مطابق آن وعده که خودشان داده اند که يك عدلیه دنیا پسندی باید درست کنیم بهتر این است که اشخاص واقعاً صالح و در خور این مقام بکار قضاوت گمارده شوند و برای تأمین آن مقصود مقتضی است که قضاة تحت امتحان در آیند. حالا بنده این مسئله را به ایشان تذکر میدهم که این کار را نکنند محدود هم نکرده ام که همین فردا باشد. خیر هر وقت که خودشان مقتضی بدانند این کار را بکنند و این نیت خیر را انجام دهند.

وزیر عدلیه - بنده به نمایندگی محترم و به تمام آقایان اطمینان میدهم که هیچیک از افرادی که به عدلیه آورده ام علاقه ندارم و هر وقت به بینم که يك کسی از عهده کاری که بار محول است بر نمیآید بدون ملاحظه او را بر میدارم و دیگری که بتواند بجای او میگذاریم البته برای این کاریک اصولی باید قائل شد. در کمیسیون عدلیه بنده خیال دارم يك ترتیبی برای این کار بدهم و يك زمینه که بنظرم رسیده پیشنهاد کنم و با توافق نظر اعضاء کمیسیون عدلیه این مقصود را تأمین کنم پس در اینجا این مسئله موردی ندارد. و در وقتش تأمین خواهد شد.

بامداد - خیلی خوب. با این وعد که میدهند بنده قانع شدم و پیشنهادم را مسترد میدارم  
نایب رئیس - استرداد کردید.

بامداد - بلی

نایب رئیس - تبصره چهارم پیشنهادی آقای عدل (باین نهج خوانده شد)

پیشنهاد میکنم حقوقات رتبه ده و یازده ثابت و حد اکثر نخواهد داشت.

نایب رئیس - آقای عدل

عدل - عرض میشود در اینجا يك مذاکره شد و آقای احتشام زاده يك پیشنهادی دادند و جنجال شد و بالاخره بنده نفهمیدم مقصود ایشان بکجا رسید و تأمین شد یا نه؟ در تعیین حقوق بنده گمان میکنم نظر بحد اقل است. یعنی این که مجلس معین کرده به عقیده بنده گویا حد اقل است. حداکثر را همیشه قانون معین خواهد کرد و چون بالاخره در اینجا حداقل و اکثر را معین نکردند خواستم بدانم که چه شد. چون اینکه حداقل و اکثر را معین کرده اند بی فلسفه نبوده و اساساً نظر قانون گذار این بوده که يك مستخدمی که سه سال در يك محلی خدمت کرده و مستحق ترفیع شده و چون جائی برای ترفیع او موجود نیست وزارت خانه متبوعه اش تشخیص میدهد که يك اضافه حقوقی در باره او معین کند چون يك محلی نبوده که مستخدم را ترفیع بدهند دولت قائل به اضافه حقوق در باره او میشود که همان حد اکثر است. در قضاة هم همینطور است يك قاضی که سه سال در يك رتبه خدمت کرده مستحق حد اکثر میشود. وقتی که در مرتبه بالاتر جائی برای او نیست البته يك اضافه باسم حداکثر باید باو داد و این نظری است که گمان میکنم اساسی باشد و همه آقایان هم با آن موافق باشند ولی نسبت برتبه ده و یازده بنده پیشنهاد کردم و معتقدم که دیگر حداکثر نباید داشته باشد و ثابت باشد و مجلس نباید حد اکثر برای آنها معین کند

وزیر عدلیه - بنده نمنا میکنم از آقا که این پیشنهاد را فعلاً پس بگیرند زیرا این مسئله فعلاً محل بحث نیست در این موضوع بعد بحث خواهیم کرد و موضوع را تمام می کنیم.

عدل - استرداد میکنم

نایب رئیس - در کلیات کسی مخالف نیست؟ (گفته شد خیر) چون خبر از کمیسیون بودجه است يك شوری است باید با ورقه رای گرفته شود به مجموع آن

لايحه با تبصره که اضافه شده آقایان بیکه موافقت ورقه سفید و الا کبود خواهند داد  
(در این موقع جمعی از آقایان نمایندکان از مجلس خارج میشدند)

نایب رئیس آقایان تأمل بفرمایند.

(در این موقع اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه اینطور حاصل شد)

ورقه سفید علامت قبول ۶۹ - ورقه کبود علامت رد دو

(اسامی آقایان موافقین)

آقایان - اعتبار - معظمی - نجومی - حاج آقا رضا رفیع - ملک ابرج میرزا - وکیلی طباطبائی سید کاظم - محمد تقی خان اسعد - وزیر - روحی - خوئی - مفتی - امیر اسدالله خان عامری - پالیزی - ملک آرائی - عدل - ابراهیمی - حشمتی - اسکندری میر ممتاز - فرشی - حقنویس - بهیجی خان زنگنه -

جهانشاهی - دولتشاهی - دکتر لقمان - فهمی - افشار دکتر طاهری - جلالی - محمود رضا - احتشامزاده - حیدری - سید حسین آقایان - خواجوی - موقر - باستانی ابلخان - طباطبائی دیبا - ثقة الاسلامی - عراقی - لایقوانی مولوی - فرمند - اسفندیاری - بدر - آقا زاده سبزواری سید جواد محقق - خطیبی - میرزا عبدالله خان وثوق آیه الله زاده خراسانی - سلطان محمد خان عامری - محمد ولی میرزا - شریعت زاده افخمی - نکمبان - عصر انقلاب اسکندر خان مقدم - عباس میرزا - ساکینیان - فرمند - بهبهانی - سید یعقوب - ملک مدنی - دکتر سنک - نوبخت - کی استوان - عمادی

اسامی مخالفین - آقایان - سید ابراهیم ضیاء - فیروز آبادی

نایب رئیس - عده حضار نود و دو یا شصت و نه رأی تصویب شد جلسه آتی روز یکشنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر دستور هم بودجه مملکتی

(مجلس یکساعت و نیم بعد از ظهر ختم شد)



# قانون

## تعیین حقوق رتبه های قضائی

مصوب ۲۶ آذرماه یکهزار و سیصد و شش شمسی

ماده واحده - حقوق رتبه های قضائی بترتیب ذیل است .

رتبه اول پنجاه تومان

رتبه های بعد تا رتبه یازده . حقوق رتبه مادون باضافه ربع و کسور به نفع دولت ضبط میشود .

تبصره ۱ - حقوق رتبه ده ۱۰ منحصراً به سه نفر رؤساء شعب تمیز و معاون اول مدعی العموم تمیز داده

خواهد شد و وزارت عدلیه نمیتواند در هیچ موقعی بیش از چهار نفر رتبه ۱۰ دارا باشد .

تبصره ۲ - حقوق رتبه ۱۱ منحصراً بر رئیس دیوان عالی تمیز و مدعی العموم دیوان عالی تمیز داده

خواهد شد و وزارت عدلیه در هیچ موقعی بیش از دو نفر رتبه ۱۱ نخواهد داشت .

تبصره ۳ - حقوق اشخاصی که دارای رتبه قضائی هستند از اول تشکیلات جدید مطابق همین ماده واحده

محسوب خواهد شد .

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه بیست و ششم آذر ماه یکهزار و سیصد و شش شمسی بتصویب

رئیس مجلس شورای ملی : حسین پیرنیا

مجلس شورای ملی رسیده است